

جامع شیخ بهائی

مجله داخلی دانشگاه شیخ بهائی - فرهنگ دانشجویی - مهر ماه ۱۳۹۲

علمی - فرهنگی - مذهبی - ادبی و...





بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه است که امور کشور را اداره میکند.
لام غیردوا

تفتیش علم فقط به معاصر فراگیر و تقلید نیست؛ تفتیش ضد تقلید است.
عالم عظیم رهبر

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	شیخ بهائی و شعر و ادب
۴	پیام وحی
۵	کلام معصوم
۷	دعا مجالی برای ارتباط با خداوند
۹	فرهنگ ادیان ۱
۱۱	مرکز مشاوره - مراحل آموزش کاربردی
۱۲	معرفی رشته مهندسی پزشکی و
۱۴	انجمن علمی گروه جهانگردی
۲۸	انجمن علمی گروه مدیریت
۳۴	انجمن علمی مهندسی کامپیوتر و IT
۳۶	رشته آموزش زبان انگلیسی
۳۶	انجمن و معمای ۵ خانه
۳۷	اعداد تاکسی
۳۷	ارتباط نام سایت گوگل با ریاضی
۳۸	انجمن ادبی
۴۴	اخبار دانشگاه

جامع شیخ بهائی

(مجله داخلی دانشگاه شیخ بهائی)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر سید محمود خاتون آبادی؛ معاونت دانشجویی و فرهنگی

سر دبیر: هادی ادرسی

طراحی جلد: حسین توکل

صفحه آرای و مونتاز: فهیمه موسوی

با همکاری: حجه الاسلام والمسلمین کاظمی، الناز مسائلی

مسئولیت مطالب هر بخش بر عهده نگارنده آن می باشد.



حرزی که تو را به حق رساند علم است
چیزی که تو را زغم رهاوند علم است

مالی که ز تو کس نستاند علم است
جز علم طلب مکن تو اندر عالم

شیخ بهائی و شعر و ادب

مرتضی جعفری فشارکی: عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه شیخ بهائی

چکیده:

از میان بیش از ۹۵ کتاب در زمینه‌های مختلف علمی و ادبی و فقهی که از شیخ بهائی بجای مانده است، «کشکول» بواسطه تنوع موضوعات جایگاه ویژه‌ای دارد و تا کنون چندین بار ترجمه شده است. در این نوشتار عمدتاً به اهتمام شیخ بهائی در زمینه شعر و ادب پرداخته و بخشی از تلاشهای وی را که در کشکول آمده است معرفی خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: کشکول، مکتب وقوع، مثنوی، قصیده، مخمس، مستزاد.

مقدمه:

نام و آوازه شیخ بهائی به عنوان یک دانشمند جستجوگر، مردی که گرچه اصالت ایرانی نداشت، اما، یاد و خاطره او در ذهن هر ایرانی، هاله‌ای از کشف و کرامت و بزرگواری و دانش و صنعت و اختراع پدید آورده است. و این یاد و خاطره، همواره ره‌توشه راهیان دیار علم بوده است و عوام مردم نیز کارهای او را به نوعی از کشف و کرامت، نسبت داده‌اند (نفیسی، ۱۳۳۶، ص ۷۰)

شاعری از روزگار ما، ازو بدین ویژگیها یاد کرده است:

بهائی را بگفت: ای پسر استاد!
نبد چون هیچ، پس او در کجا بود؟
کجه ای خواهان راز کبریائی!
بگو، در جسم، جان دارد کجا جای؟

شنیدستم کجه روزی میرداماد
تو پیش از هیچ میگوئی خدا بود
جوایش داد پس شیخ بهائی
تو دانی جسم و جان هستند همپای

یدا... ناظم (هدایت، ص ۱۳۶۸)

مکتب وقوع:

عصر صفوی، از روزگاری است که در آن ریشه خلقت‌های ادبی خشکیده است و گرچه کسانی چون صائب و کلیم و ... در آن روزگاران زیسته اند، با اینهمه اینان، هیچگاه درخششی چون فردوسی و مولوی و سعدی و حافظ نداشته‌اند و در قرن دهم، آثار حمله مغول و پراکندگی حوزه‌های علمی، به تمام معنی به ظهور پیوست. «مکتب وقوع» در ربع اول قرن نهم هجری در شعر فارسی پدید آمد که غزل را از صورت خشک و بیروح، بیرون آورد و حیاتی تازه بخشید و در نیمه دوم قرن نهم باوج کمال خود رسید و تا ربع اول قرن یازدهم ادامه داشت. این مکتب تازه که برزخی است میان شعر دوره تیموری و سبک هندی، «زبان وقوع» خوانده شد.

(گلچین معانی - ۱۳۴۸)

شاعران مکتب وقوع و راهیان سبک هندی، هیچ یک به خلقتی بزرگ دست نیافتند و از این روست که در این عصر، پیدایش مجموعه‌ها و جنگ‌ها، طبیعی می‌نمود که از آن جمله است آثاری چون لطایف الطوائف و کشکول شیخ بهائی.

شیخ به فارسی و تازی و ترکی شعر می‌سرود و به «بهائی» تخلص میکرد و منظومه‌های نان و حلوا، شیر و شکر و نان و پنیر ازوست. گذشته از اینها، اشعاری پراکنده از مثنوی و قصیده، مخمس و مستزاد دارد کتابی به نام «موش و گربه» به نثر از او باقی است. بهائی در شعر چیره دست نیست و تنها، از آن جهت که در عهد صفوی، آن روزگار غلبه زهد خشک، کسی سخنانی با چاشنی تندعرقانی سروده است مورد توجه قرار گرفته است. (نفیسی، ۱۳۳۶، ص ۱۳۶)

همه ساله حج نمودن، سفر حجاز کردن
دو لب از برای لیبیک، به وظیفه باز کردن
زمناهی و ملاهی، همه احتراز کردن
ز وجود بی نیازش، طلب نیاز کردن
که به روی ناامیدی در بسته باز کردن

همه روز، روزه رفتن، همه شب نماز کردن
زمینه تا به مکه، به برهنه پای رفتن
به معابد و مساجد، همه اعتکاف جستن
شب جمعه ها نخفتن، به خدای رازگفتن
به خدا قسم که آن را، ثمران قدر نباشد



اشعار فارسی شیخ بهائی عمدتاً شامل مثنویات، غزلیات و رباعیات است. وی در غزل به شیوه فخرالدین عراقی و حافظ، در رباعی با نظر به ابوسعید ابوالخیر و خواجه عبدالمصطفی و در مثنوی به شیوه مولوی شعر سروده است. بهترین منبع برای گردآوری اشعار بهائی «کشکول» است تا جایی که به عقیده برخی محققان، انتساب اشعاری که در کشکول نیامده است، به بهائی ثابت نیست. سروده زیرین تعلق شیخ بهائی را به شعرای قبل از خود اثبات می‌کند.

از شیخ سعدی:

نشــــنود آواز دف و چــــنگ و نــــی
بی گل و نســــرین به سرآرد دماغ
دست تــــوان کرد درآغــــوش خویش
صبر نــــدارد که بسازد به هیچ

گوش تــــواند که هــــمه عمر وی
دیــــده شــــکاید ز تماشــــای بــــاغ
گر نــــبود دلبر هــــمخوابــــه پیش
وین شــــکم بی هنر پــــیچ پــــیچ

«گلستان سعدی باب سوم، پی آمد حکایت بیست و نهم»

از شیخ بهائی:

زد بتــــوان بــــر قــــدم خویش گــــام
با دو کف دســــت، تــــوان خــــورد آب
هم بتــــوان ســــاخت به نان جــــوین
دلــــق کــــهن، ســــاتر تن، بــــس تــــرا
شانه تــــوان کــــرد به انگشــــت خویش
وز عووضش گشــــته میســــر غــــرض
عمر عزیز ســــت، غنیمــــت شــــمارا!

گر نــــبود خــــنگ مطلقــــی لگــــام
ورنــــبود مشــــربیه از زرنــــباب
ور نــــبود بــــر سر خــــوان، آن و ایــــن
ورنــــبود جامــــه اطلــــس تــــرا
شانه عــــاج ار نــــبود بهر ریســــش
جمله که بــــینی، هــــمه دارد عووض
آن چــــه نــــدارد عووض ای هوشیار!

(کاسب، ۱۳۷۶ ص ۱۷۶)

اما کشکول شیخ بهائی، همچون بایگانی دانش‌های روزگاران گذشته، از تکاپوی فکری ایرانیان و دیگر ملل مشرق زمین در دسترس ما قرار دارد. در این کتاب، جای جای، از شاخه‌های دانش ریاضی سخن می‌رود یعنی: حساب، هندسه، جبر، مقابله، و گاه قوانین فیزیکی همچون شکست نور و وزن مخصوص را مطرح می‌کند که پایه‌های محکمی از استقلال با خود دارند. گاه از چگونگی تعیین حجم و وزن اجسام بزرگ و نامنظمی چون فیل و شتر سخن می‌گوید، مساله طراح می‌کند و پاسخ می‌خواهد و پاسخ می‌دهد. از شیمی و خواص فلزات نیز یاد کرده است، چه او از دانش‌های گوناگون برخوردار داشته و شاه عباس که به دانش ستاره‌شناسی علاقه می‌ورزید، وی را به همراهی جلال الدین محمد منجم و علیرضا عباسی خوشنویس، به مراغه فرستاده است (ربیع الاول ۱۰۱۸) تا عمارت رصدخانه آنجا را بازدید کنند و برای ساختن رصدخانه تازه‌ای، در آنجا نقشه طرح کنند. (فلسفی، ۱۳۵۲، ص ۳۳۶)

شیخ بهائی در دفتر اول کشکول چنین آورده است:

«کتابی است که از یاری باطن مایه گرفته است و در آن، مطالبی گنجانده‌ام که هر کس بدان راغب است و دیدگان، از آن لذت می‌برند و شامل است بر گره‌هایی از تفسیر و تاویل های بَیِّن، و چشمه های اخبار و آثار نیکو و حکمت‌های تازه که دل‌ها به نور آنها روشن می‌شوند و کلماتی جامع چون ماه‌های تابان در آن روشن کرده‌ام و از بوهای خوش آن، مشام جام‌ها را معطر ساخته‌ام و ارادتی در آن گنجانده‌ام که استخوان‌های پوسیده را زندگی می‌بخشند و آیات نیکوئی که از روانی، همچون شرابی خوشگوار در قدها جای گرفته‌اند و حکایات دلنشینی که جان‌های خسته را آرامش می‌بخشند.

لطیفه‌هایی که روشن‌تر از باده صافی‌اند و پرفروغ‌تر از روزگار جوانی، اشعاری که گوارتر از آب زلالند و لطیف‌تر از سحر حلال، پندهایی که چون بر سنگ خوانده شوند آنرا از هم بپاشند و اگر بر ستارگان عرضه گردند، آنها را به پراکنند. و هنگامی که مجالی برای ترتیب آن نیافتم و روزگار نیز چنین فرصتی به من نداد! آن را همانند سبزی قرار دادم که در آن، ارزان‌بها و گران‌قیمت در کنار هم قرار گیرند، یا همچون گردنبندی که دانه‌های آن از هم بپاشند. و آن را «کشکول» نامیدم تا با نام آن کتاب دیگر «توبه» برابری کند و از آن کتاب، در این یکی چیزی نیاوردم و برخی از صفحات آنرا سپید گذاشتم تا به هنگام خود، از رویدادها پرسازم تا کشکول پرنباشد زیرا، بینوایی که کشکول، آلت گدائی اوست، چون کشکولش پر شود، از خواستن روی برتابد.

اکنون دیدگانت را در باغ‌های آن، به گردش درآور! و ذوق خود را از نهرهای آن سیراب کن! و طبع خویش در باغهای آن به چرا درآور! و نورهای حکمت و دانش را از مشرق آن برگیر! و دندان طمع خویش را برهم بشار تا مبدا در اندیشه طمع ورزی برآئی!



این کتاب و آن کتاب دیگر را مونس تنهائی و انیس بی همدمی و مایه آرامش خویش ساز! تا این دو، هم صحبتان خلوت و رفیقان سفر و ندیمان حضر تو باشند، زیرا که این دو، همسایگان نیک و داستانسرایان عالی تبار و استادان فروتن و معلمان متواضعند و بلکه این دو کتاب، دو باغند که گلپایشان شکفته شده است و زندهای صاحب جمالند، که گونه‌هایشان دو گل سرخ به بارآورده است. و آواز خوان‌های پرغروری هستند که چهره خود را پوشانده اند. پس آنان را از آن که نمی‌خواهد دور کن! و این دو را جز به آنکه طالب است عرضه مدار!

کسی که دانشی را در اختیار نادانان بگذارد، آن دانش را تباه کرده است و آنکه شایستگان را از دانش باز دارد، به آنها ستم کرده است. (کاسب، ۱۳۷۶، ص ۴۲)

نتیجه:

مهارت شیخ‌بهائی در علوم و فنون مختلف به ویژه نگارش کتابهای عدیده در رشته‌های مختلف و نمونه هائی چون کشکول، برای جوان امروز و انسانهای دوران ما لازم و در خور افتخار است که بدانند، پیشرفت شگفت‌انگیز دانش‌های امروزی، بر مبنائی بنا شده است که پدران او، اساس نهاده اند و در حقیقت، محمل‌هائی هستند که دانش‌های عملی را از دیرینه روزگاران تاریخ، به عصر ما رسانده اند.

منابع:

- ۱- نفیسی، سعید، دیوان بهائی، ۱۳۳۶، تهران: نشر زوار
- ۲- هدایت، محمود، گلزار جاویدان، جلد ۳، ۱۳۶۸
- ۳- گلچین معانی، احمد، مکتب وقوع در شعر فارسی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸
- ۴- کاسب، عزیزاله، کشکول شیخ بهائی، انتشارات گلی، ۱۳۷۶
- ۵- فلسفی، نصراله، زندگی شاه عباس اول، جلد ۲، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲

پیام وحی (۳)

وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^۱

درنوشته قبلی پیرامون عنوان «هوای نفس» از آیه مذکور استفاده گردید و اشاره شد که این شریفه بیانگر معنای این واژه و همچنین نتیجه عمل کرد و دنبال‌ه روی از آن است، در اینجا در توضیحی اضافه، به معنا و محتوای درونی هوای نفس می‌پردازیم، اگر دقت کنیم در درون خویش می‌یابیم که زمامداری و فرماندهی ما در طول زندگی و یا دست کم استعداد آن در مسیر زندگی در درون ما است گر چه شرایط بیرونی در نوع این فرمانفرمایی درونی نقش بسیار دارد، و از این عامل می‌توان به کشش و یا بیزاری تعبیر کرد.

حال همانگونه که اشاره گردید این فرمانفرمای درونی به دو صورت بروز دارد:

۱- به شکل تمایل که نقش جذب و کشش ما را به سمت آنچه به هر دلیل نظر و توجه را جذب کرده به عهده دارد، گرچه گفته می‌شود که چشم دید و دل خواست پس گناه از چشم است تا جایی که گاهی بدون قصد و اراده ما می‌بیند، و نیز سخن از شیئی مجهولی به نام دل است که پس از دیدن چشم همانند کودک پای بر زمین زده و می‌خواهد، ولی آیا واقعیت چنین است؟ شاید بشود گفت که عارف دل سوخته بابا طاهر نیز همین را تأیید می‌کند آنجا که می‌گوید:

زدست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز قولا د ز نم بردیده تادل گردد آزاد^۲

ولی در اینجا و به ویژه در سروده این بزرگوار دقت و تأملی بیشتر لازم است، اولاً آنچه از آن به دل تعبیر کرده چیست؟ که او در مواردی نیز به شدت از آن گله منداست:

خدایا داد از این دل داد از این دل که من یک دم نگشتم شاد از این دل
چو فردا داد خواهان داد خواهند بگویم صد هزاران داد از این دل^۳

شاید منظور از دل در این بیت کششی معنوی است که منشأ آن را یا باید فطرت نامید و یا نام دیگری بر آن نهاد، و بنابراین معنا، سراینده در حقیقت در جایگاه مدح و تعریف از دل است گر چه به ظاهر دلالت بر شکوه دارد، که این سبک آرایه‌ای ادبی است، و شاید در تفسیر آن بتوان از این بیت مولوی بهره برد:

هر کسی کو دور گشت از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش^۴

^۱ - آیه ۲۱۶، سوره بقره.

^۲ - نک: سایت ویکی‌نشته.

^۳ - نک: همان.





و حاصل اینکه این عامل ما را رها نمی‌کند تا اینکه ما به جایگاه اصلی خویش روی کرده و به آن برسیم.

ولی شاید بتوان گفت که منظور از دل، منشأ و یا همین کشش درونی و نیرویی است که انجام خواسته‌های درست یا نادرست را در محدوده همین جهان فیزیک می‌جوید: کلاً بل تَجِبُونَ الْعَاجِلَةَ وَتَذَرُونَ الْآجِلَةَ^۱ و ظاهراً نمی‌توان برای آن منشأ فیزیکی دریدن یافت^۲

مطلب دیگر این که آیا تنها دریچه‌ای که به نوعی معرف اشیاء به دل فرد قرار می‌گیرد چشم است؟ بدیهی است که در این رابطه چشم تنها دریچه نیست، آیا انسانی که نابینای مادرزادی است به طور کلی خالی از تمایلات است و یا استعدادهای کششی او هیچ وقت فعال نمی‌شود؟

پیدا است که چنین نیست پس گویا ممکن است مهمترین کانال انتقال فیزیکی را چشم بنامیم ولی این تنها دریچه نیست بلکه هر یک از حواس پنجگانه ظاهری خود دریچه پیام‌رسان هستند که می‌توانند محرک میل فرد باشند، و شاید سراینده مذکور چشم را به عنوان برترین دانسته و یا از چشم به عنوان نماد همه حواس یاد کرده است.

علاوه بر این همان گونه که اشاره شد برخی تمایلات درونی که غریزی هستند نیاز به فعال بودن حواس ظاهری نیز ندارند، پس همان گونه که نیروی استعدادهای کششی ما درونی است عامل محرک نیز منحصر به حواس بیرونی نبوده و می‌تواند در مواردی تصورات درونی فرد باشد.

۲- تنفر یا یک ضدکشش و دافعه که به صورت بی زاری درانسان ظاهر می‌شود و ما نمی‌توانیم منکر آن در وجود خود بشویم ولی آیا این نیز همانند نیرو و پتانسیل تمایلات تنها یک استعداد است که به هر دلیل در مواردی فعال می‌شود و یا این که دریدن ماعامل فیزیکی- شناخته یا ناشناخته- دارد؟ اینجا نیز همانگونه که اشاره گردید دست کم تا کنون وجود چنین عاملی مطرح نگردیده است.

حال فرماندهی در بیشتر افراد و در همه یا اکثر فعل و انفعالاتی که در زندگی از آنان ظاهر می‌گردد به عهده همین دو یعنی میل و نفرت است، و ما از این دو به احساسات تعبیر می‌کنیم که عامل و گرداننده زندگی حیوانات است، و مدعی هستیم که آنچه در شریعت مقدسه از آن به «هوای نفس» تعبیر می‌گردد همین است. ادامه دارد...

کلام معصوم (ع) (۳)

قال رسول الله (ص): ما قَسَمَ اللهُ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ، فَتَوَمَّ الْعَاقِلُ أَفْضَلَ مِنْ سَهْرِ الْجَاهِلِ وَإِقَامَةُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ شُحُوصِ الْجَاهِلِ وَلَا يَبْتَغِ اللهُ نَبِيّاً وَلَا رَسُولاً حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ وَيَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ جَمِيعِ أُمَّتِهِ، وَمَا يُضْمِرُ النَّبِيُّ فِي نَفْسِهِ أَفْضَلَ مِنْ اجْتِهَادِ الْمُجْتَهِدِينَ، وَمَا أَدَّى الْعَبْدُ فَرَائِضَ اللهِ حَتَّى عَقَلَ عَنْهُ، وَلَا يَبْلُغُ جَمِيعُ الْعَابِدِينَ فِي فَضْلِ عِبَادَتِهِمْ مَا يَبْلُغُ الْعَاقِلُ وَالْعَقْلَاءُ، هُمْ أَوْلَا الْأَبَابِ الَّذِينَ قَالَ اللهُ تَعَالَى: «وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»^۱

در مورد بررسی اهمیت خرد از طریق روایات معصومین (ع) به سخنی دیگر از رسول گرامی (ص) می‌رسیم، ویژگی‌هایی که در این فرموده در اهتمام به عقل مطرح است به شرح زیر است:

۱- بین خلق خدا از جانب مبدأ قیاض فیوضاتی تقسیم گردیده است ولی در این بین برتر از عقل وجود ندارد یعنی مطابق کلام جناب خاتم «ص» گرانمایه‌ترین چیزی که خداوند به همه مردم داده است خرد است، حال سخن اینجاست که این مخلوق الهی - یعنی خرد- که بین خلقت تقسیم شده است آیا این تقسیم بالسویه است یا اینکه به هر توجیه بین افراد انسان همانند داده‌های دیگر تفاوت وجود دارد؟ این نیز آیا همانند رزق و روزی است که بسته به تقدیر الهی است یا اینگونه نیست و یا اینکه تقدیر در اینجا نقش تساوی را رقم زده است؟

به نظر می‌رسد دلیل و شاهی بر عدم تساوی در این مورد وجود نداشته باشد، علاوه بر این عدل حاکم بر جهان هستی همین را تأیید می‌کند ولی صرف نظر از وجود یا عدم شواهد نقلی در این مورد، سخن از مشاهدات تجربی در این رابطه است که گاهی به وضوح آثار این برتری در افرادی نسبت به یکدیگر مشاهده می‌گردد، پس می‌توان گفت که اگر برتری مطرح باشد مراد وجود شرایطی باشد که سبب فعال شدن و استفاده از عقل را در افراد متفاوت می‌کند.

برخی از اندیشمندان غیر اسلامی نیز به همین تساوی اعتقاد دارند، دکارت می‌گوید:

میان مردم عقل از هر چیز بهتر تقسیم شده است چه هر کس بهره خود را از آن چنان تمام می‌داند که مردمانی که در هر چیز دیگر دیر پسندند از عقل بیش از آنکه دارند آرزو نمی‌کنند.^۱

^۱ - مولوی، مثنوی، نشر روزنه، ص ۵.

^۲ - چنین نیست، بلکه شما دنیا را دوست دارید و آخرت را رها می‌کنید، سوره قیامت، آیه ۲۰-۲۱.

^۳ - لازم به یادآوری است که در این زمینه نظریه دانشی همانند پزشکی که موضوع و محور آن بدن و اجزاء فیزیکی آن است معتبر است که آیا قسمتی در مغز انسان و یا ترشحات مغزی و فعل و انفعالات شیمیایی در آن به عنوان عامل فیزیکی این تمایلات است یا نه؟ ولی با اثبات علمی در این زمینه پرسش در این است که این عامل یا ترشحات عامل نیز آیا خود پدیده چه عامل پنهانی است و چرا همواره در همه انسانها کشش‌ها را یکنواخت تحریک نمی‌کند؟ فردی علاقه و گرایش نسبت به موردی در حد عشق و دیگری در حد نفرت است؟ این ها بر مبنای وجود نفس یاروان مجرد و فرامادی انسان قابل حل است ولی توجیه مادی و فیزیکی آن اگر کسی قائل به بعد پنهان و غیرمادی او نباشد دچار مشکل است.

^۴ - کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴.

بنابراین اگر اصل استعداد و توان درک در همگان مساوی باشد تفاوت بین افراد در فعال کردن آن با اراده، توان و شرایط فرد قابل توجیه است. مطلب دیگر اینکه اگر وجود عقل در افراد به صورت مساوی است آیا عقلی که در هر فردی وجود دارد قابل شدت و ضعف و یا رتبه‌بندی و به تعبیر دیگر، خرد فرد ثابت بوده و یا اینکه امکان تکامل در طول زندگی برای آن وجود دارد؟

مراحل عقل

در جواب باید گفت که هستی‌شناسان الهی مراحل تکاملی عقل را از آغاز وجود آن در فرد تا به اوج رسیدنش به چهار مرحله رتبه‌بندی کرده اند: اول: عقل بالقوه یا بالاستعداد که همان پتانسیل است، و فرق غیر بیولوژیکی بین نوزاد انسان و سایر حیوانات در وجود و عدم همین مرحله از خرد است، زیرا نوزاد سایر حیوانات پس از تولد تنها رشد بیولوژیکی دارد که البته با تجربه، سایر توانهای غریزی درونی آن فعال می‌گردد، ولی نوزاد انسان علاوه بر رشد طبیعی می‌تواند عقل را از حالت استعداد به حالت فعال در آورد. و نیز گفته می‌شود که این عقل همان نفس انسانی در مرحله اول است: **وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً**^۱ دوم: عقل بالملکه یعنی عقلی که از حالت استعداد محض به مرحله اکتیو و فعلیت رسیده و هر گاه فرد بتواند بدیهیات را با کمک ادراکات حسی «حواس پنجگانه» درک کرده و توان اندیشه، استدلال و حرکت به سوی درک مجهولات نظری را پیدا کند به این مرحله از عقل دست یافته است، تا این دو مرحله گفته می‌شود که بین مردم تفاوتی وجود ندارد. سوم: مرحله عقل بالفعل است که صاحبش کسی است که صاحب اندیشه شده و در فعلیت رساندن برخی از دانسته‌های نظری موفق گشته است، گستره این مرحله به گستره همه معلومات نظری است و لذا دارندگان این عقل دارای درجات و رتبه‌های متفاوت هستند. چهارم: عقل مستفاد است که هرگاه فرد با دست یافتن به دانش بسیار همراه با عمل به معلومات عقل عملی «بایدها و نبایدها» خود را به کمال رساند گویا به منبع دانش دست یافته همه چیز بدون نیاز به استدلال برای او قابل حل است.^۲ حال این منبع یا منابع چیست؟ نظریات — در اینکه منبع عبارت است از عقل و یا عقول تام و تمام مجرد از ماده و یا اینکه عقلی است که عقل فعال نامیده‌اند و گفته می‌شود تدبیر رشد عقول انسانی به دست اوست — مختلف است. مولانا در موارد متعدد از مثنوی به حرکت انسان از آغاز تا مرحله عقل اشاراتی دارد که یک نمونه در اینجا ذکر می‌شود.

تاکنون هر لحظه از بدو وجود	صد هزاران حشر دیدی ای عنود
و ز نما سوی حیات و ابتلا	از جمادی بی خبر سوی نما
نی به گامی بود منزل نی به نقل ^۳	توسفر کردی ز نطفه تابه عقل

ادامه دارد...

^۱ - رنه دکارت، گفتار در روش، ص ۳.

^۲ - و خداوند شمارا از مادران تن متولد ساخت در حالی که هیچ نمی دانستید، سوره نحل، آیه ۱۶.

^۳ - نک: یثربی، سیدیجی، فلسفه مشاء، ص ۶۸-۷۰.

^۴ - مولوی، مثنوی، نشر روزنه، ص ۳۹۷.



دعا مجالی برای ارتباط با خداوند

دعا مجالی برای سخن گفتن با خداوند بوده و مهمترین آموزه ادیان است و زبان مشترک همه ابنای بشر به شمار می‌رود. نیایش یعنی اینکه انسان بتواند با منبع فرا دنیایی و فرا زمینی ارتباط برقرار کند، در حقیقت دعا گوهر همه ادیان است و دین منهای دعا قابل تصور نیست؛ زیرا خداوند پایه همه ادیان را دعا و نیایش قرار داده و آن مجالی برای سخن گفتن با خداوند است.

انسان جسمی در زمین، روحی در آسمان

در دین رابطه میان خدا و انسان یک طرفه نیست، بلکه به انسان نیز مجال داده شده تا با خداوند سخن گوید. **دعا** یادآور این مطلب است که گرچه انسان پایش در زمین است ولی دلش در آسمان است و روح انسان زمینی نیست، در حقیقت امانتی است از جانب خداوند.

دعا مهمترین آموزه ادیان ابراهیمی

در مواردی در **دعا** انسان نسبت به وضع موجود راضی نیست و به دنبال وضع مطلوب در آینده است، **دعا** در ادیان ابراهیمی از مهمترین آموزه های دینی است و کتاب زبور آل داوود در عهد عتیق فقط نیایش است. امام خمینی (ره) به صحیفه سجاده، " زبور آل محمد " نام نهاده است.

دعا زبان مشترک همه ابنای بشر

دعا بخشی از معارف دینی و برای عامه مرم است، به عبارتی می‌توان گفت که **دعا** زبان مشترک همه ابنای بشر می‌باشد. یکی از بزرگترین اندیشمندان غربی بحران بشر را بحران پوچی می‌داند؛ اینکه انسان صنعتی در عصر معاصر به پیچ و مهره تبدیل شده است، انسان جدید زمانی به پوچی و بی‌معنایی خواهد رسید که معنویت از آن گرفته شود. اگر هدف غایی انسان از بین برود، به پوچی می‌رسد، به همین خاطر نیایش و **دعا** نقش ارزشمندی دارد و همه ادیان به آن توجه کرده‌اند. زیرا انسان در جستجوی آرامش و نشاط معنوی است و ادیان ابراهیمی به ویژه اسلام در تلاش هستند تا پایه‌ها و معنای مشترکی به زندگی بدهند و دعا مسیر مشترک پیروان ادیان می‌باشد.

عامل نجات انسان از آلودگی‌ها، دعا است

زمانیکه انسان به خدا نزدیک شد، می‌فهمد که در عالم هیچ کاره است. انسانی که بداند کارهای نیست منیت را کنار گذاشته و خود را اصلاح می‌کند. **دعاهای** مختلف در اجتماع اثر می‌گذارند، اینکه انسان بداند بنده است و از بندگی فراتر نرود، در رفتارهای خود با دیگران تأثیر بسیاری خواهد داشت.

دعا در ادیان الهی

رسالت ادیان الهی سعادت انسان در دنیا و آخرت است و این سعادت فقط در پناه ارتباط با مالک حقیقی میسر است و از آنجا که **دعا** وسیله ارتباط بنده با خالق و پروردگار خویش است در همه ادیان الهی **دعا** وجود داشته و پیامبران هم خود به درگاه خدا **دعا** می‌کردند و هم به مردم می‌آموختند.

مبحث **دعا** در تمام ادیان الهی وجود دارد، آنچه که بحث پیرامون آن را می‌طلبد، چگونگی و کیفیت آن در ادیان مختلف می‌باشد. در ادامه به بیان **دعا** در دین یهود و مسیح، گذرا و به شکل خلاصه می‌پردازیم:

دعا در دین یهود

«ای خداوند خدای ما، میل و رضای تو بر این تعلق گیرد که به ما عمری دراز عطا فرمایی، عمری مشحون از صلح و سلامت پر از نیکی و رحمت و ... عمری که در آن خجالت و شرمندگی یافت نشود، عمری توأم با ثروت و عزت و سعادت که در آن ترس از تو دل و جان ما را پرکند، ای خدای ما، میل و رضای تو بر این تعلق گیرد، که در دل هیچ انسانی کینه و دشمنی علیه ما وارد نشود و کینه و عداوتی علیه هیچ انسانی بر دل ما نگذارد.»



وقتی که **دعا** در باور شخصی جای گرفت و با عمق جان خود تنها او را همه کاره یافت و چشم امید از غیر او بست، به ناچار حوائج خود را نیز فقط از او می‌طلبید، ایمان به عالی‌ترین وجه هنگام **دعا** کردن و نماز خواندن جلوه‌گر می‌شود؛ زیرا تنها آن کس که نسبت به آفریدگارش صمیمانه ایمان دارد، به حضور پروردگار **دعا** می‌کند و حاجات خود را از او می‌خواهد.

***دعا، تنها وسیله ای برای رسیدن به خواسته ها نمی‌باشد!**

دعا کردن و نماز خواندن تنها به معنی الحاح برای رفع حاجات شخصی نیست، **دعا** در حقیقت عبارتست از رابطه‌ای صمیمانه بین آفریدگار و آفریده، که انسان بوسیله آن از اعماق قلب با خالق خویش سخن می‌گوید. از این رو، **دعا** و نماز هم به درگاه خداوند مقبول و خوش آیند است، و هم به انسان کمک می‌کند تا غم را از دل بزداید و بار روح را سبکتر سازد، حتی گفته شده است: «ذات قدوس متبارک مشتاق شنیدن **دعا** و نماز عادلان و نیکوکاران است».

***دعا همانند پارو، بدی ها را به رحمت انتقال می‌دهد!**

دعا و نماز نیکوکاران به پارو تشبیه شده است! چرا که همانطور که پارو محصول را زیر و رو کرده و آن را از جایی به جای دیگر منتقل می‌سازد، به همان ترتیب **دعا** و نماز عادلان و نیکوکاران خشم و غضب ذات قدوس متبارک را به رحمت مبدل می‌کند.

***شرط اساسی استجابت دعادر دین یهود**

برای آنکه **دعای** انسان اجابت شود، نه تنها باید **دعا** صمیمانه باشد و از اعماق قلب برخیزد، بلکه کسی که **دعا** می‌کند و نماز می‌خواند، باید شایستگی آن را داشته باشد که دعایش مستجاب شود. «هر آن کس که رضایت خدا را بجا می‌آورد، و قلب خود را در وقت نماز خواندن و **دعا** کردن با نیت کامل متوجه او می‌سازد، **دعایش** مستجاب می‌شود» بطور کلی آنها (مسیحیان) گفتگو با خدا و ستایش و پرستش او را بطور عادی و روزانه در وقت و بی‌وقت انجام می‌دهند و **دعا** قسمتی از زندگی آنهاست. این دستور پولس رسول که «پیوسته **دعا** کنید» عمیقاً بر شرق مسیحی تأثیر گذاشته است.

دعا در دین مسیحیت

هر مسیحی دارای یک خط مستقیم برای ارتباط با خدا می‌باشد و در هر زمان که اراده نماید در اختیار اوست، ولی اغلب مسیحیان هرگز گوشه‌ای تلفن را بر نمی‌دارند و اغلب فراموش می‌کنند که چنین خطی وجود دارد، مگر اینکه یک وضعیت اضطراری پیش آید. کسانی که روح بخشش دارند می‌توانند **دعا** کنند، یکی از دلایلی که اغلب مانع **دعا** کردن می‌گردد، نداشتن روح بخشش است. مسیح وعده فرموده: وقتی به **دعا** بایستید هرگاه کسی به شما خطا کرده باشد او را ببخشید تا آنکه پدر شما نیز که در آسمان است خطایای شما را ببخشد. در دین مسیحیت آمده شما **دعا** می‌کنید تا با خداوند مشارکت داشته باشید، خداوند بی‌صبرانه منتظر است در **دعا** حضور یابید، در حضور خدای پدر به نام عیسی، خداوند توسط روح القدس **دعا** می‌کند. اما باید بدانیم که معنای **دعا** چیزی فراتر از بیان کلمات است، **دعا** اظهارات قلبی شما به خداوند است، **دعا** تنها یک فعالیت نیست بلکه یک تجربه و رابطه است. مسیحیان بخصوص ارتدوکس‌ها نیایش خاصی در منزل دارند، رسم انجام نیایش‌های خانوادگی، گرچه نسبت به گذشته کمتر عمومیت دارد، اما در دنیای ارتدوکس معاصر هم باقی است. در خانه هر ارتدوکس به طور سنتی کنج یا تاقچه‌ای برای شمایل وجود دارد که در جلوی آن چراغی روشن است. عود به کار می‌رود و دعا‌های خانوادگی خوانده می‌شود. در خانه، همانند کلیسا، نیایشگر ارتدوکس مفهوم «ملکوت روی زمین» را احساس می‌کند و پیوند خود را با معبودش برقرار می‌سازد.



فرهنگ ادیان (۱)

ترجمه‌ی: سید علیرضا هدائی *

دایرةالمعارف سه دین بزرگ (Three Great Religions)، اطلاعات جالب توجهی در خصوص ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت، و آیین‌ها و شخصیت‌های مهم ایشان به دست می‌دهد. در این مجال، به برخی از مدخل‌های مربوط به مسیحیت از این کتاب^۱ اشاره می‌کنیم:

Knight Templars

شوالیه‌های معبدی:

یہ (Templars)، به تعبیر کامل: «سلاحشوران فقیر مسیح و معبد سلیمان»: یکی از دو فرقه اصلی دینی - نظامی جهان مسیحیت در قرون وسطی است. در سال ۱۱۱۸ م. شوالیه‌یو دی پاین (Hugh de Payen) به همراه هشت نفر از هم‌قطارانش با عہدی صادقانه، عزم خود را جزم کردند تا از زائران در جاده‌های عمومی سرزمین مقدس حفاظت کنند. اتراق‌گاه‌هایی در محل هیکل سلیمان به آن‌ها اختصاص یافت و در شورای تروی (در سال ۱۱۲۸ م)، سبطه ایشان به تصویب رسید که گفته می‌شود [این مصوبه] توسط برنارد قدیس تهیه و تنظیم شد. طولی نکشید که آنان با مال‌اندوزی در هر نقطه از عالم مسیحیت به گسترش نفوذ و افزایش ثروت پرداختند. در قرون دوازدهم و سیزدهم، آن‌ها به همراه شوالیه‌های مهمان‌نواز، نقش نظامی بیش‌ازپیش مهمی در دولت‌های صلیبی ایفا کردند. به تدریج، این فرقه به یک بنگاه وام‌دهی و بانک‌داری تبدیل شد و ثروتش به فساد و فروپاشی آن از سقوط عکا (در سال ۱۲۹۱ م.) انجامید؛ چرا که فیلیپ عادل اهل فرانسه به ثروت‌های آنان چشم طمع دوخت و با هم‌دستی یکی از شوالیه‌های معبدی خائن، اتهاماتی نظیر لواط، کفرگویی به مقدسات و ارتداد را بر این فرقه وارد کردند، و در سال ۱۳۱۲ م. در شورای وین، پاپ کلمنت پنجم این فرقه را توقیف و ملغی اعلام کرد.

Labarum

درفش عیسی:

(اسم)، (صورت جمع آن *~ara*)، پرچم سواره‌نظام سلطنتی که در جنگ پیشاپیش امپراتوران روم حمل می‌شد و به‌طور خاص، پرچمی که نخستین‌بار توسط کنستانتین - اولین امپراتوری که مسیحیت را پذیرفت - حمل شد: این پرچم معمولاً دو حرف اول (XP) از واژه یونانی مسیح (خرسیتوس = *Christos* = *Χριστός*) را برخورد داشت.

Lag b'Omer

عید جو:

[*omer* به معنی دسته‌های جو]، عیدی یهودی که در هجدهمین روز ایار (مه) به یاد پایان طاعونی که بسیاری از پیروان خاخام آکیبا را هلاک کرد، برگزار می‌شود. در میرون، واقع در الجلیل علیا، هزاران یهودی راست‌کیش، زیارتی مسرت‌بخش به سوی مدفن خاخام شمعون بن یوهانی به جای می‌آورند، و به عنوان بخشی از یک مراسم پرطرفدار - که شامل بازی با تیر و کمان (نمادهای رنگین کمان) هم می‌شود - برای نخستین‌بار، موی بچه‌های کم سن و سال را اصلاح می‌کنند. [این عید، مصادف با سی و سومین روز بعد از عید فصح است که اکثراً برای ازدواج به کار می‌رود].

^۱ - کتاب قاموس‌الادیان یا دایرةالمعارف سه دین بزرگ هم‌اکنون در دست ویرایش و چاپ است.

* دانشجوی دکتری فلسفه‌ی دین دانشگاه قم و عضو هیأت علمی دانشگاه شیخ بهایی اصفهان



Lapsi

مردود شدگان:

[واژه لاتین به معنای «ساقط شدگان»]، کسانی که تحت شکنجه، ایمان مسیحی را انکار کردند. در ابتدا اعتقاد بر این بود که ارتداد گناهی نابخشودنی است، اما پس از شکنجه مسیحیان در عهد امپراتور دیکئوس (دقیانوس) (۲۵۱-۲۵۰ م.)، کلیسا حکم کرد تا چنین اشخاصی را پس از توبه و آزمایش دوباره بپذیرد. این تصمیم منتهی به تفرقه و شقاق نواتیانی شد. [نواتیانوس از رهبران کلیسای روم بود که مقررات سختی وضع نمود و مسیحیانی را که یکبار سرد و روگردان شده بودند، دیگر هرگز به کلیسا نمی پذیرفت.]

Lasalette

لاسالته:

روستایی در کوه‌های آلپ، جایی که در آن در سال ۱۸۴۶م. دختر و پسری روستایی، مریم عذرا (ع) را در رؤیا دیدند که «به همه پیروان خود» رحمت الهی را پس از توبه وعده داد و هم چنین، سری خاص را پیغام داد که بعدها برای پاپ پیوس نهم فرستاده شد. بلافاصله، زائران در پی آن مکان آمدند و در سال ۱۸۵۲م. سنگ بنای کلیسای کنونی در صحنه مکاشفه نهاده شد.

Last supper

شام آخر:

(در مسیحیت)، هم چنین عشاء ربانی (Lord's supper) خوانده می شود، در عهد جدید (متی ۲۶: ۱۷-۲۹؛ مرقس ۱۴: ۱۲-۲۵؛ لوقا ۲۲: ۷-۳۷؛ سائله اول به قرنیتان ۱۱: ۲۳-۲۵)، آخرین وعده غذایی که عیسی (ع) و حواریونش در بالاخانه‌ای در اورشلیم (بیت المقدس) در آن شرکت داشتند؛ مناسبت تأسیس و پایه گذاری آیین عشاء ربانی. بنابر روایت انجیل، عیسی (ع) دوتن از حواریون خود را برای تهیه غذا فرستاد و همه حواریون را در آن اطاق فوقانی ملاقات کرد. به آن‌ها گفت که یکی از ایشان به او خیانت خواهد کرد. اناجیل سه گانه هم آوا (متی، لوقا و مرقس) و روایات کلیسا تأکید می کنند که شام آخر در عید فصح رخ داده است. هر چند روایت مصلوب کردن مسیح بنابر انجیل یوحنا حاکی از آن است که شام آخر نمی توانست غذایی در عید فصح بوده باشد، بسیاری از مفسرین روایت مذکور در اناجیل هم آوا را می پذیرند. در هنر مسیحی، به طور سنتی دو جنبه از شام آخر به تصویر کشیده شده است: جنبه اول، فاش ساختن مسیح برای حواریونش این را که یکی از ایشان به وی خیانت خواهد کرد و عکس العمل آنان نسبت به این خبر، و جنبه دوم وضع و تأسیس آیین عشاء ربانی با مشارکت حواریون. هنر مسیحی نخستین (از حدود قرن دوم تا حدود قرن ششم میلادی) بر هیچ یک از دو بعد واقعه شام آخر منهای بعد دیگر تأکید نمی کرد، اما پس از آن، التفات کلیسای شرقی عموماً به آثاری بود که به وجوه نمادین این واقعه اهمیت می دادند، حال آن که کلیسای غربی طرفدار آثاری بود که بر روایت تأکید داشتند. در هنر مسیحی آغازین، وجود یک ماهی بر روی سفره، نماد وضع آیین قربانی مقدس یا عشاء ربانی است. این سمبل در نگارگری های کلیسای غربی از عشاء ربانی حواریون تا قرن پانزدهم دیده می شود؛ زمانی که یک جام شراب و نان فطیر مقدس جای آن را می گیرد.



مرکز مشاوره دانشگاه

مراحل آموزش کاربردی Relaxation یا تن آرامی

روشی برای مقابله با اضطراب

معرفی شده از سوی اُست (۱۹۸۷)

تهیه کننده: آزاده آرمان پناه و شهاب‌الدین ادیبی

مقدمه:

در زمانی زندگی می‌کنیم که محیط ما با تغییرات شتابزده‌ای روبرو است، شدت این تغییرات در خانه، محل کار، کوچه و بازار به گونه‌ای است که گاه سازگاری با آنها فراتر از توان ما است و ناچاریم هر روز خودمان را با شرایط جدید سازگار سازیم. از سوی دیگر در زمانه‌ای بسر می‌بریم که سطح انتظارات بطور فزاینده‌ای زیاد است. و در زیر این فشارها و محرک‌های دائمی گاهی احساس می‌کنیم که چگونه زندگی رنگ باخته و از معنا تهی شده است و باید خود را دوباره باز یابیم. «تن آرامی» به ما کمک می‌کند تا بر اعصاب خود مسلط‌تر شویم و کنترل روان و ذهن و فکر خود را به دست آوریم. در زیر با مراحل آموزش کاربردی رلکسیشن آشنا می‌شوید که بتوانید شخصاً در خانه یا در محیط کار آنرا بکار برده و از آرامش حاصل از آن بهره‌مند گردید.

اساس منطقی (توجیه)

وقتی شخصی مضطرب می‌شود، واکنش او متشکل از سه جزو متفاوت است.

- جزو فیزیولوژیک (افزایش ضربان قلب - تعریق - تنش عضلانی)
- جزو رفتاری (اجتناب، سعی برای فرار کردن)
- جزو شناختی (افکار منفی مانند دارم از حال می‌روم، نمی‌توانم مقابله کنم)

قدرت نسبی این اجزاء از شخصی به شخص دیگر فرق می‌کند.

مردم معمولاً ابتدا تغییرات فیزیولوژیک را تجربه می‌کنند، بعد اندیشه منفی که خود واکنش فیزیولوژیک را افزایش می‌دهد و این یک دور باطل ایجاد می‌کند.

یکی از راه‌های مؤثر برای ایجاد گسستگی در این دور باطل این است که بر واکنش فیزیولوژیک تمرکز کنیم و یاد بگیریم چگونه آن را کنترل کنیم. آموزش یک فن آرامش مؤثر به فرد این امکان را می‌دهد که نه تنها در خانه روی صندلی بلکه در هر موقعیتی به این حالت برسد و بسیار سریع (۲۰ تا ۳۰ ثانیه) به این کار بپردازد.

آرامش کاربردی نیز مانند سایر مهارت‌ها، از قبیل دوچرخه سواری و ... تمرین زیادی می‌خواهد، به همین دلیل در سرتاسر دوره‌ی آموزش تمرین‌های روزانه خانگی لازم خواهد بود.

آرامش پیش‌رونده (۱۵ تا ۲۰ دقیقه)

بدین منظور بدن به چند گروه عضلانی بزرگ تقسیم می‌شود و هر گروه ابتدا تنیده و بعد آرامیده می‌شود.

تناوب تنش و آرامش به فرد یاد می‌دهد بین دو حالت تمایز قائل شود تنش حدود ۵ ثانیه طول می‌کشد و آرامش ده تا ۱۵ ثانیه طول می‌کشد. معمولاً هر یک از عضلات فقط یکبار تنیده و آرامیده می‌شود.

از مراجع خواسته می‌شود میزان آرامش خود را بین مقیاس ۰ تا ۱۰۰ تعیین کند. در آموزش آرامش پیش‌رونده بدن به دو قسمت تقسیم می‌شود. در جلسه اول، آرامش دست‌ها، صورت، گردن و شانه مورد تمرین قرار می‌گیرد. در جلسه دوم بقیه قسمت‌ها نیز افزوده می‌شود.

جلسه یک - دست راست خودتان را مشت کنید به طوری که در ناحیه مشت و بازو احساس تنش کنید، پس از ۵ شماره رها کنید و به حالت آرامش درآورید. هنگام آرامش به خود بگوئید من در آرامش هستم و از آرامش خود لذت می‌برم. سپس همین حرکت را با دست چپ انجام دهید حالا دستتان را از آرنج خم کنید و در عضله دو سر انقباض ایجاد کنید - بعد دستتان را صاف نگه دارید و عضله سه سر را منقبض کنید و پائین دست را به صندلی بچسبانید و سعی کنید ناحیه انگشتان را در حالت آرمیدگی نگه دارید در هنگام آرمیدگی به خود بگوئید من در آرامش هستم و از آرامش خود لذت می‌برم حالا ابروها را بالا ببرید و در پیشانی ایجاد چین کنید بعد به حالت آرامش برگردید - سپس ابروها را جمع کنید مانند حالت اخم، بعد به حالت آرامش برگردید - حالا عضلات اطراف چشم‌ها را جمع کنید. بعد آرامش. دندان‌ها را به هم فشار دهید، بعد آرامش. زبان را محکم به قسمت بالای دهان بچسبانید. تنش در ناحیه گلو ایجاد کنید، بعد آرامش. لب‌ها را محکم به هم فشار دهید، بعد آرامش. گردن را تا می‌توانید به عقب فشار دهید، بعد آرامش. چانه را به ناحیه سینه بچسبانید و فشار دهید، بعد آرامش. شانه‌هایتان را در جهت گوش‌هایتان بالا ببرید، بعد آرامش. شانه‌ها را بالا ببرید و به حالت انتهایی در آورید. بعد تمام بدن را در حالت آرامش درآورید و چک کنید که هیچ یک از عضلات شما در حالت تنیدگی و انقباضی نباشد. پس از چند دقیقه به زندگی عادی برگردید. این تمرین در روز حداقل سه بار باید تکرار شود.



معرفی رشته مهندسی پزشکی و تاریخچه تاسیس آن در نظام آموزشی ایران

محمدرضا رضائیان - عضو هیات علمی گروه مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات

الف) - معرفی

رشته مهندسی پزشکی که به معنای کاربرد مهندسی در پزشکی است یک رشته میان رشته‌ای حاصل از تلفیق علوم مهندسی و پزشکی است. هدف از آن پرورش مهارت‌های مهندسی در علوم پزشکی به منظور حمایت و توسعه خدمات تشخیصی و درمانی منطبق با اصول علمی است. در واقع مهندس پزشکی فردی است که با بکار گرفتن مهارت‌های مهندسی، مدیریتی و فناوری‌های مرتبط، مراقبت از سلامتی را افزایش می‌دهد و ارزیابی مدیریتی و حل کردن مشکلات مربوطه را در محیط‌های علمی، بالینی و پزشکی بر عهده دارد. یکی از مشکلات و مسایل این رشته در جهان، عدم تعریف دقیق این رشته است و در ایران علاوه بر این ضعف، مشکل معادل سازی آن نیز افزون بر مابراست. در حال حاضر نظرات متعددی از طرف صاحب نظران در این مورد مطرح است که به عدم توافق در تعریف یکسان برای این رشته در سطح جهانی می‌انجامد. ولی عمدتاً به صورت ذیل دسته بندی می شوند:

۱- مهندسی زیست پزشکی (بیوالکتریک، بیومکانیک، بیو مواد و...).

به طور کلی مهندسی زیست پزشکی، مجموعه‌ای منحصر به فرد و تلفیقی از شاخه‌های مهندسی، علوم پایه، علوم پزشکی و زیست‌شناسی است. به بیان دیگر، مهندسی زیست پزشکی، کاربرد مهندسی در علوم و تجهیزات پزشکی است که از طریق مطالعه اصول، عملکرد و رفتار سیستم‌های زنده و بکارگیری اطلاعات و نتایج حاصله به تشخیص و درمان بیماری‌ها و همچنین جایگزینی اندام‌های صدمه دیده می‌پردازد و پل ارتباطی میان پزشکی و مهندسی است که در تجهیزات پزشکی نمود پیدا می‌کند...

۲- مهندسی زیستی (مهندسیافت، مهندسی سلولی و مولکولی و...)

این گرایش یک علم بنیادی و متمایل به پژوهش‌هایی است که امکانات و مفاهیم علوم فیزیکی و شیمیایی را در جهت درک بهتر درباره سیستم‌های بیولوژیکی و فیزیکی بکار می‌گیرد، این دانش بطور اساسی به مسایل کلینیکی نمی‌پردازد.

۳- مهندسی بالینی (مهندسی بیمارستانی، مهندسی توانبخشی، مهندسی ورزش، انفورماتیک پزشکی، سلامت الکترونیکی و...).

این شاخه که شباهت‌هایی به مورد اول دارد، اساساً شاخه‌ای از علم است که با بکارگیری مهارت‌های مهندسی، مدیریتی و فناوری در بهداشت و درمان به منظور حمایت و توسعه خدمات تشخیصی و درمانی فعالیت می‌کند. یک مهندس بالینی به عنوان یک متخصص، عضو مجموعه کادر بیمارستانی و مراکز آموزشی درمانی است و وظایفی را نظیر ارزیابی، انتخاب و نظارت بر بکارگیری صحیح و ایمن فناوری پزشکی، مدیریت تجهیزات (خرید، تعمیر، نگهداری، کنترل کیفیت و توسعه)، آموزش کاربردی صحیح دستگاه‌ها و مدیریت اطلاعات بیمارستانی و طراحی سیستم‌های مهندسی که به صورت تجاری در دسترس نیستند بر عهده می‌گیرد.

ب) تاریخچه گرایش‌های آموزشی مهندسی پزشکی در ایران

در ایران، برنامه‌ریزی آموزشی در رشته مهندسی پزشکی از سال ۱۳۵۹ در ستاد انقلاب فرهنگی و در گروه برنامه‌ریزی پزشکی، با هدف تربیت متخصص تعمیر و نگهداری لوازم پزشکی، آغاز شد. در آن زمان، مفهوم و جایگاه رشته مهندسی پزشکی و ابعاد و وجوه مختلف آن در سطح مملکت و حتی در مراکز آموزش عالی و گروه‌های برنامه‌ریزی آموزش عالی مشخص و روشن نبود. اما حجم عظیم دستگاه‌ها و وسایل پزشکی که در انبارهای مراکز کلینیکی و درمانی جمع آوری شده بود، ضرورت تربیت نیروی متخصص تعمیر و نگهداری را به منظور حل مشکل دستگاه‌ها و وسایل از کار افتاده پزشکی ایجاب کرد. بر مبنای این نیاز و با هدف تربیت تکنسین تعمیر کار و بهره‌بردار وسایل پزشکی، برنامه‌ریزی مقطع فوق دیپلم و حداکثر کارشناسی این رشته مطرح شد. ابتدا مدت قابل ملاحظه‌ای وقت، مصروف آمارگیری و جمع آوری اطلاعات درباره کیفیت و کمیت وسایل پزشکی مورد نیاز، خصوصاً آنها که نیاز به تعمیر نگهداری دارند، شد. در مرحله بعد، این دستگاه‌ها به لحاظ نوع و همچنین ارتباط آنها با زمینه‌های علمی و مهندسی دسته‌بندی شدند، که بالاخره این فعالیت‌ها منجر به پیشنهاد و ارائه برنامه آموزشی دوره کاردانی الکترونیک پزشکی و همچنین دوره الکترومکانیک پزشکی شد. تعریف و هدف دوره کاردانی الکترونیک عبارت بود از: تربیت نیروی انسانی متخصص فنی مورد نیاز بیمارستان‌ها و آزمایشگاه‌های پزشکی که بتواند دستگاه‌های الکترونیکی، کلینیکی و آزمایشگاهی را راه اندازی، نگهداری، تنظیم و تعمیر کند.

برخی از مراکز آموزش عالی و بخش جهاد خود کفایی وزارت بهداشت (شرکت مادر تخصصی دارو و تجهیزات پزشکی ایران)، اقدام به دایر کردن دوره‌های کوتاه مدت و دادن آموزش‌های مقطعی جهت ایجاد کارایی در شناخت، تعمیر و نگهداری وسایل پزشکی کردند، که البته این دوره‌ها



به عنوان مقاطع رسمی آموزش عالی تلقی نمی‌شد، بلکه گذراندن آنها به اخذ مجوز داخلی از مرکز مربوطه می‌انجامید. در سال ۱۳۶۳ رئیس بخش مهندسی پزشکی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی، پیشنهاد برنامه آموزشی مقطع کارشناسی ارشد مهندسی پزشکی را به گروه فنی و مهندسی ستاد انقلاب فرهنگی ارائه کرد. پس از آن با تأسیس مقطع کارشناسی ارشد مهندسی پزشکی موافقت گردید. در سال ۱۳۶۵ در جلساتی با شرکت برخی از دست‌اندرکاران مهندسی و همچنین پزشکی، طرح پیشنهادی دانشگاه صنعتی شریف در مورد دوره آموزشی کارشناسی ارشد مهندسی پزشکی مورد بحث قرار گرفت. در این بحث‌ها اختلاف نظر ناشی از دیدگاه‌های مختلف در مورد جایگاه مهندسی پزشکی نمایان بود. افرادی که به فضای علم پزشکی مرتبط بودند، سعی داشتند که محتوای برنامه را بیشتر رنگ و طعم پزشکی بدهند و مهندسی کلینیکی را ترویج و تأیید می‌کردند. از سوی دیگر افراد وابسته به فضای علمی و مهندسی سعی داشتند که برنامه را با محدودیت مطالب و دروس مهندسی به تصویب برسانند و جنبه کلینیکی برنامه را کم رنگ‌تر کنند. نتایج این بحث‌ها منجر به عقد قرار دادی بین دانشگاه صنعتی شریف (دانشکده مهندسی برق) و دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (دانشکده پزشکی) شد، که طبق آن برای اولین بار توافق شد که دانشجویان کارشناسی ارشد مهندسی پزشکی با مسئولیت هر دو دانشگاه، تربیت و فارغ التحصیل شوند. این قرارداد بعدها، چه در اجرای برنامه آموزشی دوره و چه در زمان فارغ التحصیلی دانشجویان، مشکلات و نارسایی‌هایی را بوجود آورد. لذا بنا بر تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی، مقرر شد که رشته مهندسی پزشکی به وزارت فرهنگ و آموزش عالی محول گردد. در سال ۱۳۶۶ اولین دانشجویان کارشناسی ارشد مهندسی پزشکی طبق برنامه فوق، و بر مبنای قرار داد بین دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، در دو زمینه بیوالکتریک (وابسته به دانشکده مهندسی برق با ۵ نفر دانشجو) و بیومکانیک (وابسته به دانشکده مهندسی مکانیک با ۵ نفر دانشجو) از طریق کنکور پذیرفته شدند. در آن سالها در زمینه بیومواد در کلیه مقاطع آموزشی به لحاظ کمبود کادر متخصص و عدم پیگیری و توجه کافی مراکز برنامه‌ای تهیه و اجرا نشده و حتی در قلمرو پژوهش علیرغم نیاز شدید مملکت به آن، تحرک و اقدام قابل ملاحظه‌ای به چشم نمی‌خورد. در تاریخ هشتم و نهم آذر ماه ۱۳۶۶، اولین کنفرانس بررسی مسائل مهندسی پزشکی در ایران و جهان در دانشگاه صنعتی امیر کبیر و با مسئولیت اجرایی اعضای گروه پروژه دست سیرنیتیک تهران، که شکل گرفته بود و کار تحقیقاتی در مورد دست مصنوعی برای جانبازان و معلولین را به پیش می‌برد، برگزار شد. این کنفرانس نقطه عطف بارزی در تشخیص و تعیین دقیق معنی و مفهوم رشته مهندسی پزشکی در ایران، تسریع حرکت صحیح آموزشی و پژوهشی در راستای شناخت واقعی این رشته و نیاز مملکت به آن و برانگیختن و امید بخشیدن به نیروهای علاقه‌مند و قابل، جهت توسعه رشته مهندسی پزشکی بود، در این کنفرانس صاحب نظران، چه در داخل و چه در خارج مملکت نقطه نظرهای خود را به صورت مقالاتی در ابعاد مختلف مسائل مهندسی پزشکی ارائه کردند. از جمله نتایج این اولین کنفرانس مهندسی پزشکی پیشنهاد دایر کردن کارشناسی ارشد مهندسی پزشکی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، کاردانی تجهیزات پزشکی و کارشناسی ارشد مهندسی کلینیکی وابسته به وزارت بهداشت و مقطع دکترای مهندسی پزشکی به منظور تأمین کادر متخصص و تقویت بنیه تحقیقاتی بود. با توجه به نتایج این کنفرانس، دانشگاه صنعتی امیر کبیر، در سال ۱۳۶۷ اولین دانشجوی دکترای مهندسی پزشکی (بیوالکتریک) و از سال ۱۳۶۹ تعدادی دانشجوی کارشناسی ارشد بیوالتریک که از نظر اجرایی به دانشکده مهندسی برق این دانشگاه وابسته بود از طریق کنکور و طبق برنامه آموزشی پیشنهادی پذیرفت. هم اکنون دوره دکترای و کارشناسی ارشد مهندسی پزشکی با گرایش بیومواد، بیومکانیک و بیوالکتریک در مؤسسات آموزش عالی متعدد در دانشکده‌های مرتبط با هر گرایش در حال اجرا است. دوره کارشناسی مهندسی پزشکی اولین بار در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در سال ۱۳۷۲ به پذیرش دانشجوی دوره شبانه و روزانه پرداختند و در سال ۱۳۷۴ اولین دانشجویان کارشناسی از طریق کنکور سراسری در دانشکده مهندسی پزشکی دانشگاه صنعتی امیرکبیر پذیرفته شدند و به دنبال آن دانشگاه سهند تبریز، دانشگاه اصفهان، دانشگاه شاهد و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (و همچنین واحدهای دزفول، مشهد، قزوین، تبریز و خمینی‌شهر و ...) دوره‌های کارشناسی مهندسی پزشکی را دایر کردند. از سال ۱۳۸۹ شاهد گسترش، تصویب و راه‌اندازی این دوره در بخش دولتی و غیردولتی در سه گرایش و سه مقطع به فعالیت آموزشی و پژوهشی پرداخته‌اند.

ولیکن در حال حاضر با توجه به کاربردی بودن رشته مهندسی پزشکی در عرصه بهداشت و درمان گرایش چهارم این رشته در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مقطع کارشناسی ارشد و در دانشگاه آزاد اسلامی با نام مهندسی پزشکی بالینی در مقطع کارشناسی مصوب شده و برنامه درسی آن براساس آخرین یافته‌های علمی-آموزشی در حال شکل‌گیری است. علاوه بر آن گرایش انفورماتیک پزشکی در مقطع کارشناسی ارشد در وزارت بهداشت مراحل نهایی شکل‌گیری خود را طی کرده است. همچنین رشته مهندسی ورزش و مهندسی توانبخشی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه صنعتی امیرکبیر و دانشگاه آزاد اسلامی تأسیس شده و در حال پذیرش دانشجو هستند و مهندسی بافت نیز در چندین دانشگاه کشور مصوب شده است.

ج) همایش‌های مهندسی پزشکی در ایران

تا کنون کنفرانسها و همایشهای متعدد علمی با هدف گسترش دانش فنی و تبادل نظر علمی- کاربردی در زمینه‌های مختلف مهندسی پزشکی، در راستای تقویت پل ارتباطی بین محققین، صنعتگران و متخصصین مراکز درمانی و هماهنگی و همفکری در زمینه‌های مؤسسات آموزشی- پژوهشی



کشور برگزار شده است. کنفرانس‌های مرتبط عبارتند از: کنفرانس مهندسی پزشکی ایران، کنفرانس سلامت الکترونیکی و کاربرد ICT در پزشکی و همایش مهندسی توانبخشی ایران، همچنین در سال جاری اولین کنفرانس بیوالکترومغناطیس در دانشگاه قزوین برگزار شد.

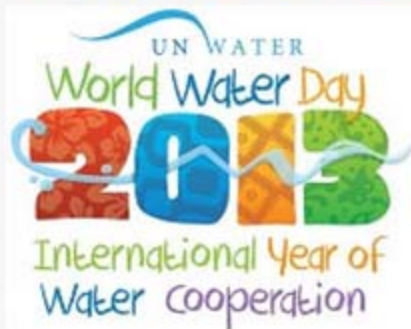
(د) سازمانها و نهادهای مرتبط

وزارت بهداشت به عنوان یکی از اصلیترین مخاطبان متخصصین این رشته محسوب می شود. عمده سازمانهای مرتبط عبارتند از: اداره تجهیزات پزشکی (متولی واردات، صادرات، قیمت گذاری، نظارت و تولید تجهیزات پزشکی و...) در وزارت بهداشت و دانشگاههای علوم پزشکی در سراسر کشور، شرکت مادر تخصصی دارو تجهیزات پزشکی، شرکت خانه سازی و معاونتهای درمان و تجهیزات پزشکی سازمان تامین اجتماعی، واحدهای تجهیزات پزشکی هلال احمر، بنیادهای بیماریهای خاص، شهید و جانبازان، به همراه واحدهای مختلف مهندسی پزشکی در دانشگاهها و بیمارستانهای ارتش، سپاه، علاوه بر آن شرکتهای خصوصی متعددی در این حوزه فعالند که به تولید، ارائه خدمات پشتیبانی دستگاههای وارداتی، کالیبراسیون تجهیزات و ارزشیابی مراکز درمانی می پردازند.

منابع: انجمن مهندسی پزشکی - وزارت های علوم و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - شرکت مادر تخصصی دارو تجهیزات پزشکی ایران - اداره کل تجهیزات پزشکی.



انجمن علمی مدیریت جهانگردی



امروزه می دانیم که بیش از دو سوم کره زمین را آب فرا گرفته است اما به ارزش آب شیرین زمانی پی می بریم که بدانیم از این همه آب موجود در جهان تنها حدود ۲/۵ درصد آن را آب شیرین تشکیل داده است و از این مقدار هم حدود ۷۰ درصد آن به صورت یخ در قطب شمال و جنوب یا به صورت آبهای زیر زمینی عمیق با عمق بیش از ۲۰۰۰ متر می باشد که برای ما غیر قابل دسترسی می باشد. در مجموع می توان گفت از کل آبهای موجود بر روی این کره خاکی تنها ۱ درصد آن به صورت آب شیرین قابل شرب برای بشر می باشد، که بر اساس گزارش سازمان یونسکو اگر همه آبهای موجود در جهان را یک گالن فرض کنیم کل آب آشیرین را باید به اندازه یک قاشق چای خوری در نظر گرفت. از طرفی دستیابی به آب سالم و بهداشتی یک امر حیاتی برای ادامه بقای گردشگری است که زنجیره گسترده ای از هتل ها و رستوران ها تا تمامی ابزارهای حمل و نقل و بخش های تفریح و سرگرمی را دربر می گیرد. از همه مهم تر گردشگری در مرداب ها و تالاب ها در حال رشد است که خود به تنهایی، صرف نظر از منابع آب سالم، از محبوب ترین مقصدهای گردشگری جهان هستند. به دلیل اهمیت موضوع بحران آب در سراسر جهان و ارتباط دوجانبه آن با گردشگری، سازمان جهانی جهانگردی، موضوع روز جهانی جهانگردی را در سال ۲۰۱۳، ارتقای نقش گردشگری در حفاظت از منابع آب معرفی کرده است.

موضوع: گردشگری و آب

مسئولیت گردشگری: حفاظت از منابع آبی

میزبان مراسم: کشور مالدیو

زمان برگزاری مراسم: ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳ (۵ مهرماه ۱۳۹۲)

پیام UNWTO: مشارکت تمامی بخش های مرتبط با گردشگری، به منظور ارائه راهکارهای مبتکر و خلاق برای دسترسی پایدار به منابع آبی در سراسر جهان.



منبع: www2.unwto.org/en

تهیه و تنظیم: التاز مسائلی - مهتاب فصولی

افحسبتم انما خلقناکم عبثاً (مؤمنون / ۱۱۵) آیا می‌پندارید که شما را بی‌هوده آفریده ایم؟

زندگینامه:



سرکار خانم شادی فروغی، متولد سال ۱۳۶۰، دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه اصفهان و کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های ایران باستان از دانشگاه شهید بهشتی. عضو هیأت علمی دانشگاه شیخ بهائی از سال ۱۳۸۶، همکار گروه مدیریت جهانگردی دانشگاه پیام نور اصفهان (واحد مرکزی) از سال ۱۳۸۷ و مدرس در دوره‌های راهنمای تور سازمان میراث فرهنگی از سال ۱۳۹۰ تاکنون. مشارکت در ۳ طرح تحقیقاتی، تألیف ۲ کتاب در حوزه‌ی گردشگری و تألیف ۴ مقاله.

چه چیز موجب علاقه مندی شما به فعالیت در رشته‌ی جهانگردی شد؟

رشته‌ی درسی من ارتباط نزدیکی با تمام بخش‌های این رشته ندارد. اما ماهیت جهانگردی به گونه‌ای است که هر بخش آن با رشته‌های مختلف مرتبط است، من هم به دلیل نزدیکی برخی از دروس رشته خودم با مدیریت جهانگردی به دانشگاه شیخ بهائی در خواست کار دادم و وقتی وارد این حوزه شدم به جهانگردی علاقه‌مند

شده و مطالعاتم را گسترش دادم و سعی کردم میان دروسی که تدریس میکنم با گردشگری ارتباط بیشتری برقرار کنم. شاید همین امر انگیزه‌ای شد تا بتوانم در برخی زمینه‌ها اقدام به تألیف کتاب هم بکنم.

درباره‌ی مهمترین تجربه‌ی کاریتان بگویید.

همه‌ی لحظات کاری‌ام برایم مهم بوده است. از همان ابتدا که وارد این حوزه شدم با همکاران بسیار خوبی آشنا شدم از جمله آقای دکتر زاهدی، این را از سر تملق نمی‌گویم. ایشان از جمله کسانی بودند که مشوق من بوده و من توانستم در کنار ایشان بسیار بیاموزم. ولی از مواردی که از همان ابتدای تدریس در دانشگاه با آن سر و کار داشتم، نحوه‌ی برخورد با دانشجویان بود. نه تنها از آنان بسیار آموختم، بلکه واقعاً در برخورد با طیف متفاوت دانشجویان، صبور بودن را یاد گرفتم.

الآن فکر میکنید نظر دانشجویان در مورد شما بعنوان یک استاد چیست؟

دانشجویان متفاوتند و نظرات آنها نیز متفاوت. آنها با دید خودشان به اساتید نگاه می‌کنند. ولی از ارزشیابی که در طول این چند سال داشتم، ۵۰ درصد نظر مثبت داشتند. اما آن چیزی که برای من مهم است این است که از صمیم قلب همه‌ی بچه‌ها را دوست دارم. حتی وقتی از دستشان عصبانی میشوم. زمان‌هایی بوده که در اوج ناراحتی سر کلاس آمدم، اما با دیدن بچه‌ها همه چیز را فراموش کردم. همین جا دوست دارم از همه دانشجویانی که در کنارشان بودم تشکر کنم و بگویم "سپاس از اینکه هستید بودن شما بارها به من انگیزه داده است."

اگر بخواهید به خودتان نمره بدهید، چه نمره‌ای میدهید؟

من از خودم خیلی توقع دارم و همیشه فکر می‌کنم تلاش‌هایم کم بوده ولی اگر بخواهم به خودم نمره بدهم از ۲۰، ۱۵ میدهیم.

شعار خاصی برای خودتان دارید؟

شعری است که میگوید:

بودن دیگر است و شدن دیگر.

آنکه شد باری از شدن تر باز نخواهد ماند.

کشیده گام و سرود خوان به راه ادامه خواهد داد

و قانون زرین خود را در گستره اعتماد خویش مستقر خواهد کرد.

همیشه شعارم در زندگی این است که کسی که در کاری که میخواهد، قدم بردارد، حتی قدم‌های کوچک، پیشرفت خواهد کرد. به نظر من از مهمترین عوامل موفقیت در زندگی، برنامه‌ریزی و زندگی کردن در لحظه حال است. زیرا بیشتر نگرانی‌های ما یا مربوط به گذشته‌ای است که بر نمی‌گردد یا آینده‌ای که هنوز نیامده است. به قول خیام:

فردا که نیامده است فریاد نکن
حالی خوش باش و عمر بر باد نکن

از دی که گذشت هیچ از او یاد نکن
بر نامده و گذشته بنیاد نکن



پس برای حفظ آرامش خودمان باید در لحظه‌ی حال زندگی کنیم و هرچند آرام به سوی هدفمان حرکت کنیم.

اگر میشد مقطعی از زندگیتان را انتخاب می‌کردید کدام قسمت بود؟

دوران کودکی. برای من کودکی بهترین دوران زندگی است. دورانی که در لحظه حال زندگی می‌کنیم و هیچ فکر و دغدغه‌ای نداریم، روحمان پاک است و با همه صاف و صادقیم. دورانی که شادیم و مشکلات زندگی را نمی‌بینیم.

در دوران کودکی، دوست داشتید چه کاره می‌شدید؟

دندانپزشک.

در حال حاضر به جایگاهی که می‌خواستید رسیده اید؟

تا حدودی، نه کاملاً. شاید به دلیل اینکه انسان آرمانگرایی هستم اینطور فکر می‌کنم و یا اینکه نه واقعاً باید بیشتر تلاش کنم تا به اهدافی که دقیقاً می‌خواهم برسم. ولی فکر می‌کنم کامل به اهدافم نرسیده‌ام.

تصمیم دارید کتاب بعدی خود را بنویسید؟

در حال حاضر به دلایل مختلف و متعدد برنامه‌ای برای نوشتن کتاب ندارم. ولی از موضوعاتی که ضروری می‌دانم که در رابطه با آن در آینده کتابی بنویسم، هنر و معماری دوران اسلامی برای رشته گردشگری است که به درس معماری ۲ دانشجویان این رشته مربوط می‌شود.

به فکر تأسیس کارگاه صنایع دستی تاکنون بوده اید؟

بعضی مواقع به آن فکر کرده‌ام، اما این کار مستلزم هزینه و زمان زیادی است. همیشه دوست داشتم به دلیل اوضاع نامساعد بازار صنایع دستی کاری در راستای حمایت از آن انجام دهم. شاید مهمترین انگیزه برای نوشتن کتاب صنایع دستی همین عامل بوده است و امیدوارم کسانی که باید از آن استفاده کنند، زیرا افرادی که حوزه‌ی کاری آنها دانشگاه است، وظیفه‌ی تحقیق و پژوهش را دارند ولی پست اجرایی نداشته و دستشان کوتاه است. پژوهشگر تحقیقی را انجام می‌دهد، سپس راهکارها و اطلاعات را در اختیار افرادی که در بخشهای اجرایی هستند می‌گذارد. حال وظیفه آنهاست که با بررسی این راهکارها و اطلاعات و به مرحله‌ی اجرا گذاشتن آنها در بخش‌های مربوطه از این تحقیقات بهره ببرند. اما اگر روزی در حوزه‌ای مرتبط با صنایع دستی پستی بدست بیاورم، بی شک تمام تلاشم را برای نجات صنایع دستی از مشکلات کنونی و ارتقاء آن به کار خواهم بست.

اگر قرار باشد به مسافرت بروید، کجا را برای سفر انتخاب می‌کنید؟

مصر، یکی از مکان‌هایی است که خیلی دوست دارم به آن سفر کنم.

برای کسانی که می‌خواهند به رشته‌ی جهانگردی وارد شوند، چه پیشنهادی دارید؟

بعضی از دانشجویان با دید اشتباه این رشته را انتخاب می‌کنند. تصورشان از این رشته فقط تفریح و سفر است. به آینده رشته فکر نمی‌کنند. در حالیکه در حال حاضر با اطلاعاتی که در سایتهای دانشگاهها و سایتهای مختلف دیگر وجود دارد، میتوانند آگاهانه رشته‌ی مورد نظر خود را انتخاب کنند. بعضی از افرادی که به اشتباه وارد این حوزه می‌شوند، بعد از مدتی می‌فهمند دروس این رشته با روحیاتشان سازگار نیست و احساس سرخوردگی می‌کنند، زیرا با دروس مختلف جهانگردی، حوزه‌ی کاری و مشاغل مربوط به آن آشنایی ندارند.

با فعالیتهای ایشان بیشتر آشنا شوید:

کتاب‌ها:

هنر و معماری ایران در آیین گردشگری - ۱۳۹۰ - شادی فروغی، محمد زاهدی - اصفهان - نشر چهارباغ
صنایع دستی و گردشگری - ۱۳۹۱ - شادی فروغی - انتشارات چهارباغ

مقالات:

جشنهای فصلی ایرانیان باستان

تمدن ایران در مرز فراموشی

نقش کار فروشگاه‌های صنایع دستی در جذب گردشگر (مورد مطالعه: اصفهان)

تعیین ظرفیت قابل تحمل واقعی مسجد شیخ لطف الله اصفهان

فعالیت‌های تحقیقاتی:

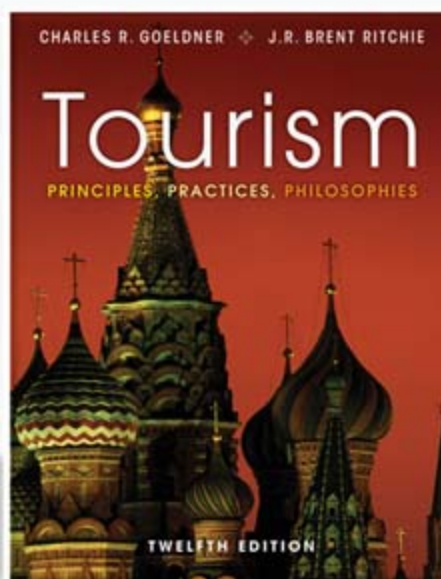
کارشناس همکار در پروژه "منطقه نمونه گردشگری قلعه سر شیر پیر بکران"

کارشناس همکار در پروژه "منطقه نمونه گردشگری چرمهین"

کارشناس همکار در پروژه "منطقه نمونه گردشگری سد قره قاج"

انسان ورقه‌ی کاغذ نیست که آب رودخانه او را به هرجایی که خواست بکشاند، بلکه انسان شناگری است ماهر، که می‌تواند با دو دست "اراده" و "اقدام" در دریای بیکران زندگی به هر طرف که خواست شنا کند.

دیل کارنگی

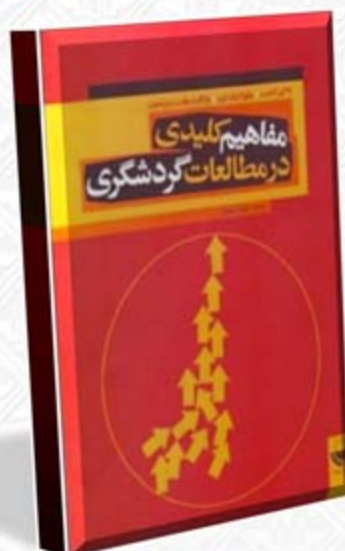


**Tourism: Principles,
Practices, Philosophies (12th Edition)**
Charles R. Goeldner and J. R. Brent Ritchie

این کتاب شامل ۲۰ فصل است که عبارتند از:

Chapter 1: Tourism in Perspective, Chapter 2: Tourism Through the Ages, Chapter 3: Career Opportunities, Chapter 4: World, National, Regional and Other Organizations, Chapter 5: Passenger Transportation, Chapter 6: Hospitality and Related Services, Chapter 7: Organizations in the Distribution Process, Chapter 8: Attractions, Recreation, and Other Tourist Draws, Chapter 9: Motivation for Pleasure Travel, Chapter 10: Cultural and International Tourism for Life's Enrichment, Chapter 11: Sociology of Tourism, Chapter 12: Tourism Components and Supply, Chapter 13: Measuring and Forecasting Demand, Chapter 14: Tourism's Economic Impact, Chapter 15: Tourism Policy: Structure, Content, and Process, Chapter 16: Tourism Planning, Development, and Social Considerations, Chapter 17: Tourism and the Environment, Chapter 18: Travel and Tourism Research, Chapter 19: Tourism Marketing, Chapter 20: Tourism's Future.

خوانندگان محترم می‌توانند این کتاب را از طریق دفتر تایپ و تکثیر واقع در مجموعه‌ی ۲ دانشگاه شیخ بهائی، به شماره فرم تهیه کنند.



مفاهیم کلیدی در مطالعات گردشگری

نویسندگان: ملانی اسمیت، نیکولا مک لئود، مارگارت هارت روبرتسون

مترجم: جعفر باپیری

ناشر: مه‌کامه

نویسندگان این کتاب، ۴۰ مفهوم را به عنوان مفاهیم کلیدی در گردشگری معاصر مطرح کرده‌اند و آنها را به شکلی موجز و کاربرپسند شرح داده‌اند. این کتاب با نگاهی نو به موضوعات گردشگری، بازارهای نوظهور و مدل‌های نوین توسعه را مورد بحث قرار می‌دهد و به شکلی درست و منطقی، محتوا و بستر گردشگری جهانی را ترسیم می‌کند. در ذیل هر مفهوم، موضوعاتی مطرح شده که علاوه بر آشنا ساختن خواننده با پیچیدگی‌های مفهوم، راه را برای مطالعات و کنجکاوی‌های بعدی هموار می‌کند.

از مفاهیمی که در این کتاب مطرح شده‌اند می‌توان به انسان‌شناسی گردشگری،



گردشگری هنری، گردشگری تجاری، مدیریت بحران، گردشگری فرهنگی، اقتصاد گردشگری، گردشگری جشنواره ها و رویدادها، استعمارگری نوین، برنامه ریزی گردشگری، پساگردشگری، جامعه شناسی گردشگری، گردشگری پایدار، گردشگری شهری و... اشاره کرد.

رفتار گردشگر: بن مایه ها و طرح های مفهومی

مؤلف: فیلیپ ل. پیرس

مترجم: دکتر حمید ضرغام بروجنی

با همکاری: زهره جوادی سبدانی - سید محمد حسن حسینی

ناشر: مهکامه



این کتاب به شیوه ای جدید، بسیاری از موضوعات اصلی و مهم رفتار گردشگر را مورد بررسی قرار می دهد. به طور مشخص فرآیند تصمیم گیری گردشگر برای تعیین مقصد، وسیله ترابری، اقامتگاه، فعالیت ها و به طور کلی برنامه سفر، موضوعات اصلی آن است. در این کتاب دستاوردهای نزدیک به ۲۵ سال تحقیق به روش های مختلف منعکس شده و بیشتر به دنبال آن است که آموزشی باشد تا تجویزی، در پی یافتن راه های نوینی برای برخورد با مباحث گردشگری است و می تواند همانند خود گردشگری، نیازهای چندگانه ی محیط های مختلف را برآورده سازد.

عناوین اصلی در این اثر عبارتند از:

مطالعه ی رفتار گردشگر، نقش های اجتماعی و ویژگی های فردی، انگیزه: رویکرد الگوی انگیزه سفر، درک و انتخاب مقصد، تماس اجتماعی گردشگر، تجارب گردشگران در مکان مورد بازدید، تأملات گردشگران نسبت به تجارب خود و نتیجه گیری و تحلیل.



سایت های گردشگری و توریسم

www.destinationcoupons.com

این مکان مجموعه ای عظیم از اطلاعات توریستی کشورهای مختلف را جمع آوری کرده است. نقشه کشورها و شهرهای مورد نظر، اطلاعات رستوران ها و مراکز خرید، تفریگاه ها، هتل ها و مراکز اقامتی، مسیرهای حمل و نقل، فرهنگ و آداب و رسوم هر کشور با مشخص کردن نام کشور در اختیار شما قرار می گیرد. از طریق این سایت می توانید هتل ها و بلیط های رفت و آمد داخل شهری و بین شهری را با تخفیف ویژه دریافت کنید.

www.mytravelguide.com

سایت فوق به یک انجمن توریستی و مسافرتی تعلق دارد که تجارب خود را در اختیار دیگران و علاقه مندان قرار می دهد. اعضا و متخصصان این مکان درباره همه چیز می توانند به شما مشورت دهند. پروازهای ارزان تر، هتل های مناسب تر، بهترین فصول سفر به مناطق مختلف جهان، امنیت سفر، عکس های متنوع از مکان های توریستی که قصد بازدید از آنجا را دارید و... از طریق سایت به شما ارائه می شود. برای عضویت در سایت اقدام کنید، پشیمان نمی شوید.

آبشارهای توریستی جهان

www.waterfallbb.com

www.TheWaterfallGroup.com

www.waterfallresort.com

www.waterfallwalks.com

غارهای توریستی جهان

www.guidegratis.it/secondalipari

www.mediaonline.it/AES

www.verbania.alpcom.it/verbania

www.toscana-agriturismo.com

www.topirantravel.com

این سایت اطلاعات متنوعی درباره کشور ایران، شهرها، جاذبه های توریستی و گردشگری، مکان های اقامتی، مکان های پذیرایی، آژانس ها و... ارائه می کند. از ویژگی های جالب سایت امکان جستجوی مکان ها و دیدنی های مورد نظر در فضای وب است. همچنین با عضویت در سایت، یک صفحه شخصی در اختیار شما قرار می گیرد.

www.persianguarden.ir

باغ های ایرانی

www.choghazanbil.ir

معبد چغازنبیل

www.sultanieh.ir

گنبد سلطانیه

www.hafttappeh.ir

هفت تپه

www.ayapir.com

آیاپیر

www.masooleh.ir

روستای ماسوله

www.maymand.org

روستای تاریخی میمند

منبع: سایت های گردشگری و توریسم - جاوید سرایی





به نام خدایی که در این زندگی است

به قلم : شیما بندرریگیان، مسئول برگزاری تور
۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۲

بالاخره در فصل بهار با اجازه دانشگاه و وضعیت خوب هوا، در فصل گلابگیری کاشان راهی سفر خاطره انگیز دانشجویی نطنز، کاشان و قمصر شدیم.

هرچند سفر ما یک روزه بود، اما به عنوان اولین تور علمی-سیاحتی انجمن علمی جهانگردی، یک کوله بار خاطرات و تجربه‌های شیرین به جا گذاشت. بالاخره روز موعود فرا رسید و به همراه دانشجویان سفر ما آغاز شد. حدود ساعت ۷ صبح روز جمعه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۲ بود که به سمت نطنز، اولین محل برنامه سفر حرکت کردیم. در راه شور و هیجان بچه‌ها، فضای اتوبوس را خیلی شاداب کرده بود. از طرفی انرژی خاصی به ما که مسئولان برگزاری تور بودیم می‌داد و باعث می‌شد اضطراب این تجربه شیرین رو که برای اولین بار انجمن علمی جهانگردی اقدام به برگزاری آن کرده بود را خیلی کم‌رنگ تر کند. در این سفر، استاد مجید موزون به عنوان استاد و همراه اعزامی دانشگاه زحمت سفر با ما را تقبل کرده و ما را حمایت و همراهی می‌کردند. خوش اخلاقی، بردباری و برخورد خوب ایشان شیرینی سفر را دو چندان کرده بود. حدود ساعت ۹ صبح بود که برای صرف صبحانه به سرچشمه نطنز رسیدیم. جایی رو در نظر گرفتیم و در خنکا و طراوت هوای بهاری در کنار سرچشمه صبحانه خوردیم. بی شک، این یکی از خوشمزه‌ترین صبحانه‌ها بود که تا بحال تجربه کرده بودم. بعد از خوردن صبحانه، اوقاتی رو برای بازدید از فضای پارک سرچشمه و گرفتن عکسهای یادگاری سپری کردیم و برای عزیمت به مقصد دوم یعنی کاشان آماده شدیم.

در کاشان قرار بود از خانه بروجردی ها و باغ فین بازدید کنیم. حدود ساعت ۱۱ بود که به کاشان رسیدیم. ابتدا به خانه‌ی بروجردی‌ها رفتیم. پس از توضیحات تخصصی معماری بنا و تاریخچه و داستان احداث این خانه به دانشجویان، بازدید این خانه‌ی تاریخی یک ساعتی به طول انجامید. خانه بروجردی‌ها از آثار تاریخی شهر کاشان است. این بنا در محله‌ی سلطان میراحمد واقع است و در نیمه‌ی دوم قرن ۱۳ هجری ساخته شده و تحت

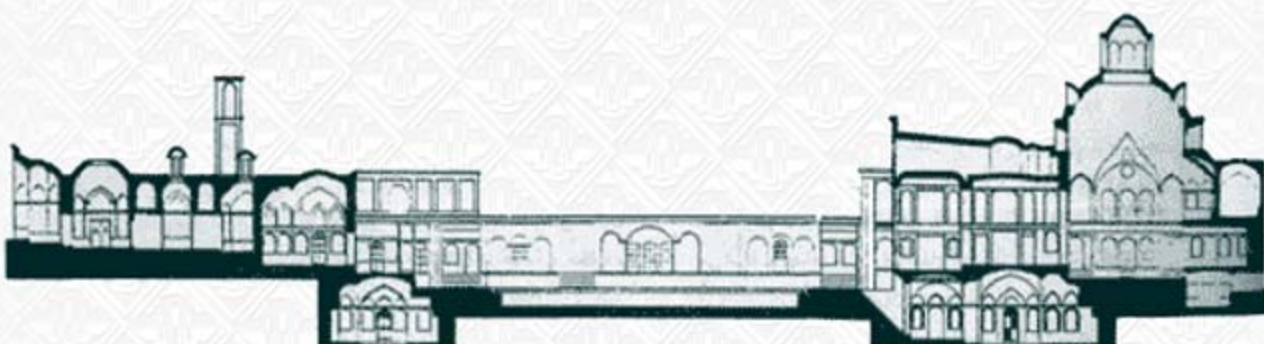
شماره ۱۰۸۳ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده‌است. این خانه با بادگیرهای قرینه هلالی شکل زیبایی بر بام تالار و کلاه فرنگی روی آن یکی از زیباترین جلوه‌های معماری ایرانی را به معرض نمایش می‌گذارد. به طوری که در کتیبه چهار طرف تالار آن نوشته شده است، ساخت بنا به سال ۱۲۹۲ هـ- قی باز می‌گردد.

نقاشی‌های ارزنده و گچ‌بری‌های این خانه، زیر نظر کمال‌الملک، نقاش بزرگ ایران اجرا شده‌است. بانی این خانه، حاج سید حسن نطنزی از بازرگان‌های نطنزی مقیم کاشان و معمار آن استاد علی مریم کاشانی بوده‌است. خانه بروجردی اکنون محل اداره میراث فرهنگی کاشان است. <http://fa.wikipedia.org> منبع





پلان طولی خانه بروجردی ها:



زمستان نشین

تابستان نشین

ایوان تابستان نشین:



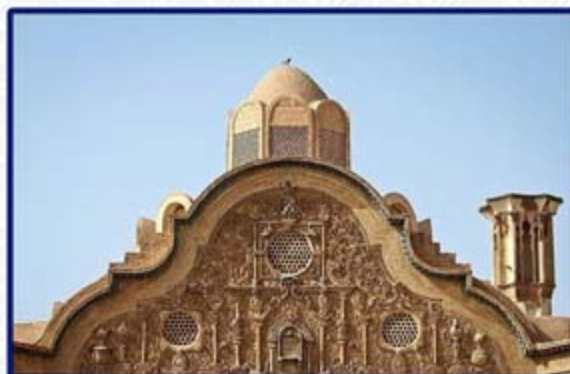
بادگیر ایوان تابستانی

گچبری قسمت بالای ایوان

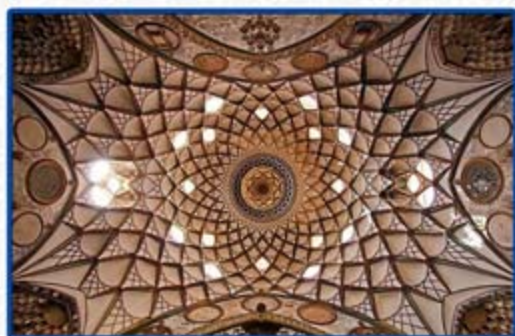


گچبری و بادگیر تابستانی

ایوان تابستانی



نمای و گچبری داخلی ایوان تابستانی





ایوان زمستان نشین :



بعد از بازدید از خانه‌ی بروجرودی‌ها، به سمت باغ فین کاشان رهسپار شدیم. به دلیل تقارن برنامه سفر با زمان گلابگیری متأسفانه وارد ترافیک سنگینی در خیابان فین شدیم و این مسئله باعث شد برنامه زمان‌بندی کمی دچار مشکل شده و مجبور به تغییر آن شویم. به هر حال بعد از گرفتن

بلیط و هماهنگی حدود ساعت ۱۳ وارد باغ شدیم. توضیحات طبق برنامه ارائه شد و ۲ ساعت برای بازدید از حمام و بناهای باغ در نظر گرفته شد و زمان اتمام بازدید و خروج را ۱۵ بعد از ظهر تعیین کردیم.



در بدو ورود توضیحاتی درمورد این مکان داده شد. بعد از آن دانشجویان از تمامی قسمت‌های باغ دیدن کردند. ساعت ۱۵ تقریباً همه جمع شده بودند. به دلیل انبوه مسافران، فضای کافی برای استراحت و صرف ناهار نبود. به همین دلیل تصمیم گرفتیم طبق برنامه به قصر برویم. آخرین مقصدی که در نظر داشتیم بازدید از مراسم گلابگیری در شهر قصر بود. فاصله کاشان-قصر را یک ساعته پشت سر گذاشتیم و به شهر زیبا، سبز و با طراوت قصر رسیدیم. حقیقتاً زیبا، وصف ناشدنی و گویی بهشتی زمینی بود. باران بهاری شروع به باریدن کرده بود و نسیمی خنک، روح هر بیننده‌ای را که از آن حوالی می‌گذشت نوازش می‌کرد. چه آرامشی در این شهر کوچک و زیبای خدا حکم رانی می‌کرد.



چه آرامشی داشت نظاره این همه زیبایی و طراوت در دل این کویر گرم، تضاد خیلی جالبی بود. کاشان خشک بود و گرم و طاقت فرسا، یک ساعت آن طرف تر در قمصر، خنک و مرطوب و با طراوت. زیبایی خدا و قدرت بی متناهی در این فاصله یک ساعته همه ما را شگفت زده کرده بود. در قمصر برای صرف ناهار و استراحت، با مسئول گلاب ۵ ستاره هماهنگ شده بود و قرار بود چند ساعتی در باغ شخصی ایشان استراحت کنیم. نم باران، نسیم خنک و درختان باران خورده، انرژی خاصی به همه ما داده بود. انوار طلایی خورشید گهگاه از بین ابرها نمایان می شد و سبزی شاداب درختان را نشانمان می داد و دوباره چهره خود را در پشت ابرها مخفی می کرد. این بازی باران روحیه جدیدی برای ادامه برنامه به ما داد.

در لحظه ورود به باغ با خوش آمد گویی و پذیرایی جای دارچین اهالی باغ روبرو شدیم که در آن فضا جدا چسبید! یک ساعتی استراحت کردیم و ناهار خوردیم و به عنوان آخرین برنامه این سفر به کارگاه گلابگیری رفتیم. در آنجا مسئول کارگاه طرز تهیه و تولید انواع عرقیات و هم چنین بازگویی خواص برخی از مهم ترین و پرکاربردترین عرقیات برای ما توضیح دادند و نهایتاً پس از خرید از محصولات آنجا، حدود ساعت ۱۸ بعد از ظهر با همان شوروهیجان و انرژی صبح اما با کوله باری از آموخته‌های جدید رهسپار اصفهان شدیم. با همراهی دبیر انجمن: الناز مسائلی و همکاری دیگر اعضای انجمن: حورا عسگریان فرد، پریناز زورمند و زهرا خلیلی.



ایران نائب رئیس مجمع عمومی سازمان جهانی جهانگردی شد.

بیستمین اجلاس مجمع عمومی سازمان جهانی جهانگردی ملل متحد UNWTO از تاریخ ۱۳۹۲/۶/۳ در ویکتوریا، کانادا به میزبانی مشترک کشورهای زامبیا و زیمبابوه با حضور هیات‌های عالی رتبه بیش از ۱۶۰ کشور جهان از جمله هیاتی از جمهوری اسلامی ایران، آغاز به کار کرد. در این اجلاس که با حضور عالی‌ترین مقام سازمان تخصصی بین‌المللی گردشگری UNWTO برگزار می‌شود خط مشی‌های کلان صنعت گردشگری در سطح جهانی تبیین شده و برنامه‌ها و اهداف توسعه‌ای در صنعت گردشگری از طریق ۹ کمیته تخصصی پیگیری می‌شود. بنا بر این گزارش، در جلسه روز نخست مجمع عمومی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نایب رئیس مجمع عمومی سازمان جهانی جهانگردی ملل متحد UNWTO، برگزیده شد و عضویت کشورمان در شورای اجرایی و کمیته بررسی عضویت وابسته برای سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ به تصویب رسید.

در حاشیه این اجلاس، هیات رسمی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری جمهوری اسلامی ایران با طالب ریفایی، دبیرکل سازمان جهانی جهانگردی ملل متحد UNWTO، دیدار کردند، در این دیدار دبیرکل سازمان جهانی جهانگردی ملل متحد، ضمن تبریک انتصاب نجفی به عنوان معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تداوم همکاری و مشارکت کشورمان در سازمان جهانی جهانگردی ابراز امیدواری کرد.

منبع: www.inn.ir

انجمن علمی مدیریت

مدیریت ژاپنی و آمریکایی



در روم باید مانند رومیان رفتار کرد. ملتها و کشورها متفاوتند و فرهنگها و آداب رسوم خود را دارند مدیران باید این تفاوتها را درک کرده مطابق آن رفتار خاصی از خود نشان دهند. مدیران آگاه خوب می‌دانند که شیوه مدیریتی بهتر در هر کشور و هر منطقه‌ای بستگی به فرهنگ آن کشور دارد حتی افراد داخل یک منطقه نیز ممکن است اعم از زنان و مردان دارای فرهنگها علایق خاصی باشند. مدیریت موثر بخوبی این تفاوتها را درک کرده و اداره می‌کند.

در سال ۱۹۸۰، تولید ناخالص ملی ژاپن، در سومین رده جهانی قرار داشت اما این کشور با استفاده از روش‌های خاص، توانست تا سال ۲۰۰۰ به بالاترین رده دست یابد. دلیل اصلی برتری ژاپن، مهارت‌های مدیریتی این کشور است. از طرف دیگر اکثر صاحبانظران مدیریتی آمریکایی هستند پس مطالعه شیوه‌های مدیریتی آنان امری الزامی است. در این موضوع ضمن بررسی شیوه‌های مدیریت ژاپنی و آمریکایی و بررسی نقاط قوت و ضعف هر کدام تئوری Z که تلفیق مدیریت آمریکایی و ژاپنی است نیز بررسی می‌شود. تفاوت شرکت‌های ژاپنی و آمریکایی از تفاوت‌های فرهنگی فراتر می‌رود. در ژاپن کسب سود هرگز در رأس کارها قرار نمی‌گیرد. در حالی که در آمریکا بالاترین اولویت را به سود سالانه یا درآمد سرمایه‌گذاران می‌دهند. در میان عناصر مهم مدیریت ژاپنی، می‌توان به وجود نگرش اشاره کرد که غربی‌ها فاقد آن هستند. در واقع، در کشورهای غربی ابزار کافی وجود دارد اما نگرش کافی وجود ندارد. عقاید، فرضیات و مفاهیم مدیریتی در آمریکا محدودند و نگرش مدیریت غربی فاقد کارایی لازم است. در ژاپن، مدیران از طریق نگرش‌های پویا، روش‌های کاری خود را توسعه می‌دهند.

تعریف نظریه A:

نوع مدیریت آمریکایی است که بیشتر ویژگیهای بوروکراسی را دارد که در آن برنامه‌ریزی سوگیری کوتاه مدت دارد تصمیم‌گیری و مسئولیت فردی و روند تصمیم‌گیری تند ولی بکارگیری آن کند است ساختار سازمان رسمی و دیوانسالاری است.

تعریف نظریه J:

نوع مدیریت ژاپنی است که بیشتر ویژگیهای سازمان ادھوکراسی را داراست نظریه J را می‌توان نقطه مقابل نظریه A دانست برنامه‌ریزی بیشتر بلند مدت تصمیم‌گیری و مسئولیت گروهی روند تصمیم‌گیری کند ولی اجرای آن به سرعت انجام می‌شود. بطور کلی میتوان ویژگیهای مدیریت ژاپنی را به این صورت بیان کرد:

- ۱) استخدام مادام العمر
- ۲) نظام رینگی: "رین" یعنی پیشنهاد دادن به بالا دست و جلب نظر وی و "گی" یعنی اندیشه کردن و تصمیم گرفتن.
- ۳) ترفیع و پیشرفت بطئی و کند
- ۴) ارزیابی جمعی و ضمنی دراز مدت و مقطعی و غیر رسمی است



- (۵) توجه به تمام جنبه‌های زندگی کارکنان
- (۶) مدیریت در محل: یعنی رابطه عاطفی کارمندان و مدیران ژاپنی بقدری قوی است که هیچ مدیری پشت درهای بسته نمی‌ماند بلکه همراه کارکنان در قسمت‌های مختلف کارخانه به مدیریت می‌پردازد.
- (۷) برنامه‌ریزی سوگیری بلند مدت دارد.
- (۸) تصمیم‌گیری بصورت گروهی و از راه همگرایی انجام می‌شود.
- (۹) مسئولیت و پاسخ‌گویی گروهی است.
- (۱۰) روند تصمیم‌گیری کند اما اجرای آن تند است.
- (۱۱) ساختار سازمانی غیر رسمی است.

ویژگی‌های مدیریت آمریکایی:

مدیریت آمریکایی بیشتر ویژگی‌های بوروکراسی اداری را دارد. و تقریباً نقطه مقابل مدیریت ژاپنی است. برنامه‌ریزی مدیران آمریکایی سوگیری کوتاه مدت دارد تصمیم‌گیری سرعت انجام می‌شود ولی بکار بستن آن کند است. مسئولیت و پاسخگویی فردی است ساختار سازمان رسمی و دیوان سالاری است. لازم نیست همه کارکنان فرهنگ سازمان را قبول داشته باشند. کارمندان به پیشه و شغل خود وفادار هستند نه به کل سازمان پس رقابت بین بخش‌های مختلف سازمان اجتناب‌ناپذیر است. نقل و انتقال کارمندان بین سازمانها به سهولت انجام می‌شود. به آموزش کارکنان با تردید نگریسته می‌شود. امنیت شغلی پایین است و ارتباطات از بالا به پایین است که یکی از ویژگی‌های نظام بوروکراسی است. نظارت رسمی از بالا صورت می‌گیرد. و نظارتها بر کارکرد فردی تاکید دارد و خطا کار سرزنش می‌شود. در شرکتها دگرگونیهای پیوسته و پی در پی دیده می‌شود هدف شرکتها سود کوتاه مدت است نه رشد و بر موفقیت کوتاه مدت تاکید می‌شود.

بطور کلی می‌توان ویژگی‌های مدیریت آمریکایی را اینگونه بیان کرد:

- (۱) استخدام کوتاه مدت
- (۲) پیشرفت سریع و مسیر شغلی تخصصی
- (۳) ارزیابی فردی و رسمی و کوتاه مدت و پیوسته
- (۴) توجه به کارکنان بعنوان جزئی از ماشین
- (۵) مدیریت سلسله‌مراتبی
- (۶) برنامه‌ریزی سوگیری کوتاه مدت دارد.
- (۷) تصمیم‌گیری بصورت فردی صورت می‌گیرد
- (۸) مسئولیت و پاسخگویی فردی است
- (۹) روند تصمیم‌گیری سریع اما اجرای آن کند است
- (۱۰) ساختار سازمانی رسمی
- (۱۱) جابجایی افراد بین سازمانها راحت است

آمار رسمی نشان می‌دهد که رشد بهره‌وری صنایع ژاپن از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۸ بر مبنای مدیریت ژاپنی چهار برابر شده است، درحالی‌که در همین مدت، آمریکا، انگلیس و آلمان کمتر از نصف این مقدار رشد بهره‌وری داشته‌اند و این نشان دهنده برتری مدیریت ژاپنی بر مدیریت غربی بوده است. دکتر کی کوچی مدیر مرکز تحقیقات شرکت سونی می‌گوید: عامل کلیدی در صنعت خلاقیت است و سه نوع خلاقیت وجود دارد که شامل:

۱. خلاقیت در فناوری
۲. خلاقیت در بازاریابی
۳. خلاقیت در برنامه‌ریزی تولید

داشتن یکی از سه نوع خلاقیت بدون دو نوع دیگر نابودی در کسب و کار را به همراه دارد. یک مشخصه منحصر بفرد توسعه فناوری ژاپن استقلال آن از فناوری دفاعی است. ژاپن در بازار مصرف و نه در صنعت دفاعی تغییرات دائمی ایجاد کرده است. در ژاپن سود هرگز در اولویت نیست اما در آمریکا همیشه سود سالیانه در اولویت است. در آمریکا رفتار مدیران نسبت به نیروی کار وحتى مدیران رده‌های پایین‌تر شدید و مبتنی بر سلسله مراتب اداری است. در حالی که محیط مطبوع برای مدیران ژاپنی چندان اهمیتی ندارد. در آمریکا داشتن یک دفتر شیک و مدرن با مبلمان و بزرگ در اولویت است. اما ژاپن‌ها اعتقادی به دفتر خصوصی ندارند. مدیریت ژاپنی علاقمند به بهبود کیفیت کارخانه‌ها و محیط راحت ساده و دلپذیر است زیرا معتقدند تاثیر مستقیمی بر بهره‌وری دارد.

یک مزیت مدیریت ژاپنی نسبت به مدیریت آمریکایی فلسفه شرکت است. در ژاپن برنامه‌ریزی بلند مدت و نظام پیشنهادی مدیریت رده‌های پایین و میانی روابط میان مدیران پایین و بالا را بسیار نزدیک به هم کرده است که سالها می‌توانند برنامه خاصی از فعالیت‌ها را تنظیم کنند که فلسفه شرکت را پابرجا نگه دارد. در ژاپن که یک سری جزایر آتشفشانی است و منابع نفتی و معدنی ندارد نوعی روحیه قانع بودن و تلاش بوجود آمده است که در آن نیروی انسانی محور همه کارهاست.

در ژاپن تعهد به مشتریان در سطح جهانی است اما این خصوصیت در شرکت‌های آمریکایی وجود ندارد. نحوه قیمت گذاری در ژاپن بر اساس کاهش مداوم هزینه و قیمت است یعنی هزینه‌ها و قیمت‌ها تواما کاهش می‌یابد در حالی که در شرکت‌های آمریکایی قیمت‌گذاری بر اساس هزینه بعلاوه مقداری سود است و به هزینه‌های تولید در بلند مدت توجه نمی‌شود. در ژاپن نقش مدیریت منابع انسانی کلیدی است اما شرکت‌های آمریکایی اهمیت کمتری به آن می‌دهند. در ژاپن استخدام بلند مدت و برای تمام عمر استولی در آمریکا استخدام کوتاه مدت است. در ژاپن ترفیع شغلی آهسته ولی در آمریکا ترفیع به سرعت صورت می‌گیرد. در ژاپن کنترل ضمنی و غیر رسمی است ولی در آمریکا کنترل سریع واضح است. تصمیم‌گیری و مسئولیت در ژاپن گروهی است اما در آمریکا بصورت فردی صورت می‌گیرد.

ویلیام اوچی و ژوزف ام. جوران:

ارائه نظریه Z در مورد چگونگی استفاده از سبک مدیریت ژاپنی به وسیله مدیران آمریکایی سال ۱۹۸۲ میلادی

یک نظریه مشهور در اوایل سال ۱۹۸۰ توسط ویلیام اوچی ارائه شد که شامل بررسی او بر روی ویژگی‌های سازمانها به عنوان مبنایی برای مقایسه متمرکز بود. اوچی یک سری ویژگیها و خصوصیات روشنی را برای سازمانهای ژاپنی عنوان می‌کند. استخدام دائمی، ارزیابی و ارتقاء تدریجی، مکانیزم‌های کنترلی ضمنی، تصمیم‌گیری‌های جمعی، مسئولیت جمعی و نگرانی و وابستگی کل نگر برای همه کارکنان. از سوی دیگر خصوصیات ذاتی سازمانهای آمریکایی شامل استخدام موقتی (کوتاه مدت)، ارزیابی و ارتقاء سریع، مکانیزم‌های کنترلی مستقیم و صریح، تصمیم‌گیری‌های فردی، مسئولیت فردی و تفکر جزء نگرانه برای کارکنان می‌باشد.

با درک این واقعیت‌ها ویلیام اوچی مکتب جدید مدیریتی را در آمریکا به نام تئوری Z ارائه داد. او اعتقاد دارد که برخی از خصوصیات سازمانهای ژاپنی می‌تواند به طور موفقیت‌آمیز در سازمانهای آمریکایی نسخه‌برداری شود.

Z درواقع یک ترکیب است که درحقیقت حاوی و شامل بهترین مفاهیم هر دو مکتب است که اهم آنها به شرح زیر می‌باشد:

- تاکید بر مهارت‌های بین فردی و نیاز برای تعاملات گروهی
- تاکید بر تصمیم‌گیری جمعی اما مسئولیت‌های فردی
- تاکید بر روابط غیر رسمی و دموکراتیک بر پایه اعتماد
- نگرستن به افراد به عنوان یک کل و نه به عنوان عوامل تولید
- با اینکه برنامه ریزی بسیار مورد توجه است اما شاخص‌های کمی به طور کلی مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

به بیان ساده‌تر می‌توان این گونه بیان کرد که: ویلیام اوچی در بررسی برخی از سازمان‌های آمریکایی دید که این سازمان‌ها آگاهانه یا نا خودآگاهانه برخی از خصوصیات و ویژگی‌های سازمان‌های ژاپنی را بکار گرفته‌اند. وی این ترکیب را تلفیق کارآمد برای تئوری Z نام نهاد و آن را روایت آمریکایی شیوه مدیریت ژاپنی قلمداد کرد.

اگر شیوه مدیریت آمریکایی را تئوری A بنامیم و شیوه مدیریت ژاپنی را تئوری J و از طریق ویژگی‌های که دارند آنها را تعدیل نماییم تئوری Z حاصل می‌شود.

آشنایی با دوره‌ی تحلیل تکنیکال:



تحلیل تکنیکی (تکنیکال) یا تحلیل فنی (Technical Analysis) روشی برای پیش‌بینی قیمت‌ها در بازار از طریق مطالعه وضعیت گذشته بازار است. در این تحلیل از طریق بررسی تغییرات و نوسان‌های قیمت‌ها و حجم معاملات و عرضه و تقاضا می‌توان وضعیت قیمت‌ها در آینده را پیش‌بینی کرد. این روش تحلیل در بازار ارزهای خارجی، بازارهای بورس اوراق بهادار و بازار طلا و دیگر فلزات گران‌بها کاربرد گسترده‌ای دارد. این نوع تحلیل با استفاده از «مطالعه رفتار و حرکات قیمت و حجم سهام در گذشته و تعیین قیمت و روند آینده سهم» صورت می‌پذیرد. تغییرات قیمت سهم با استفاده از پیشینه تاریخی و نمودار توسط تحلیل‌گر تکنیکی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این روش بیشتر مورد استفاده سفته‌بازان قرار می‌گیرد و بدین صورت قصد دارند تا بازده مورد نظر خود را در هنگام بالا رفتن قیمت سهم افزایش دهند. در واقع سرمایه‌گذاران با دیدگاه کوتاه مدت از این روش بهره می‌جویند.

تحلیل تکنیکی (فنی)، با آزمون قیمت‌های گذشته و حجم مبادلات حرکت‌های آینده، قیمت را پیش‌بینی می‌کند. اساس این تحلیل‌ها بر استفاده از نمودار و رابطه‌های ریاضی و هندسی متمرکز است تا بدین گونه روندهای کوچک و بزرگ بدست آید. در این راستا فرصت‌های خرید یا فروش از راه برآورد محدوده نوسانات بازار مشخص می‌شود.

هدف از برگزاری این دوره، آموزش روش‌های نوین معاملاتی در جهت پیش‌بینی بازارهای سرمایه و کسب بازده مناسب و مدیریت ریسک برای سرمایه‌گذاران و نیز معرفی پتانسیل‌های بازار سرمایه جهت ایجاد اشتغال و کسب درآمد است. در یک کلام می‌توان گفت این دوره با هدف به وجود آوردن مهارت فردی جهت تشخیص فرصت‌های سرمایه‌گذاری و کسب سود در بازار سرمایه برگزار می‌شود.

سرمایه‌گذاری موفق در بازار سرمایه نیازمند دانش سرمایه‌گذاری است. در این میان دو نوع تفکر در میان تحلیل‌گران متداول است. بخشی معتقدند که برای بررسی بازار و انتخاب سهم برتر باید کلیه اطلاعات شرکت و اطلاعات رقبا را بررسی نمود. این گروه به فاندمنتالیست‌ها معروف هستند. در مقابل گروه دیگری معتقدند با بررسی روند قیمت‌ها به راحتی می‌توان تصمیم به سرمایه‌گذاری گرفت. این گروه که به تکنیکالیست‌ها معروفند بر اساس نمودارها و روند بازار به تحلیل می‌پردازند. در این دوره اصول و مبانی تحلیل تکنیکال و کارگاه‌های عملی با استفاده از نرم افزار آمی بروکر ارائه خواهد شد.

یک تحلیل‌گر تکنیکال می‌تواند از استراتژی خود در تمام بازارها و روی تمام چارت‌ها استفاده کند و این یکی از بزرگترین نقاط قوت این نوع تحلیل می‌باشد.

مزایای شرکت در دوره های تحلیل تکنیکال:

با شرکت در این رویداد آموزشی می توانید:

- مهارت های پایه ای مورد نیاز جهت تحلیل بازار سرمایه به روش تکنیکال را فرا بگیرید.
- با سرمایه خود یا دیگران از طریق خرید و فروش سهام یا کالا، درآمد داشته باشید.
- مشاور و تحلیلگر سازمان های خصوصی و دولتی در حوزه سرمایه گذاری در بازار سرمایه گردید.

منبع: boursenews.ir

بهترین و بدترین نکات در مورد کارآفرین بودن

مترجم: دلارام حسینیون

با خود تصور کنید یک آدم فضایی در زمین فرود آمده است. پس از مدتی این موجود در می یابد که برای بقای خود و تهیه نیازهای اولیه مانند غذا و یک پناهگاه امن به پول و یک درآمد خوب نیاز دارد. در این شرایط، دو گزینه پیش روی اوست: یا به یک کارآفرین خوب و موفق تبدیل شود یا شغل خوبی پیدا کند.

برای اتخاذ یک تصمیم بهتر و آگاهانه تر، در این مطلب به بررسی بهترین و بدترین نکات در مورد کارآفرین بودن می پردازیم.

طبق گفته کولین وال، بنیانگذار شرکت مشاوره ای InvestorForce، بدترین خصوصیت در مورد کارآفرینی تنهایی است. به گفته او شما مسئول خودتان هستید و همه کارها به عهده شما است و کسی از شما پشتیبانی نخواهد کرد. زیرا برای آنها درک هیجان و شوق شما در مراحل اولیه کار و پذیرفتن آن طبق دیدگاه شما بسیار مشکل است.

در این مورد من هم با کولین موافق هستم. در بعضی موارد این کار می تواند بسیار مزروی کننده باشد. پس از یک دوره کار سخت و طولانی مدت در بعضی موارد ممکن است دسترسی به نتیجه مطلوب و مورد نظر پس از ماه ها و یا سال ها امکان پذیر یا حتی هیچ گاه امکان پذیر نباشد که می تواند موجب سرخوردگی و بی انگیزگی در افراد شود.

به گفته تاد بلنجر، مدیر عامل شرکت کندال تاد، بدترین ویژگی در مورد کارآفرینی این است که برای جلوگیری از ۴۰ ساعت کار در هفته به عنوان یک کارمند، ۸۰ ساعت در هفته به عنوان یک کارآفرین کار کنید.

کریستی شافر مدیر عامل شرکت داروسازی «اینسپایر» که با سوالی مشابه مواجه شده و تحت تاثیر قرار گرفته بود در این زمینه گفت: بدترین خصوصیت کارآفرینی مشغله فکری و استرس مداوم است و شما همیشه مشغولید و زمان کمتری برای خانواده خود دارید. رندی میر، مؤسس شرکت «بست فرننز پت» که در زمینه نگهداری از حیوانات خانگی فعالیت می کند، می گوید: بدترین خصوصیت اینکار تاثیر مستقیم آن بر روی سلامتی و روابط خانوادگی شما است.

با وجود مشکلات مالی، لزوم اخراج نیروها، ۸۰ ساعت کار در هفته و احتمال این امر که شاید هیچوقت دستمزد کار خود را دریافت نکنید و در نظر گرفتن شرایط انزوا و تنهایی کار چرا یک فرد باید به کارآفرینی علاقه مند شود؟ با در نظر گرفتن تمام این شرایط، حتی یک موجود فضایی هم که تازه به زمین آمده باشد مطمئناً ایمنی و اطمینان خاطر یک شغل و همکاری و فعالیت در یک شرکت را انتخاب می کند، اما آیا به راستی این گونه است؟

قبل از این که از موضوع مطمئن شویم، باید روی دیگر این سکه را نیز ببینیم. در کنار نکات منفی که راجع به آن صحبت کردیم نکات مثبت بی شماری نیز وجود دارند. در حالیکه کارآفرینی مناسب همه افراد نیست و همه افراد برای کارآفرینی ساخته نشده اند، قبل از تصمیم گیری نهایی خود جنبه مثبت اینکار را بررسی می کنیم. در ابتدا باید گفت در صورت کارآفرین بودن، شما آزادی عمل کامل و این فرصت را دارید تا از تمام مهارت های خود به درستی بهره ببرید.

پاداش مالی قابل توجه به کسی تعلق می گیرد که در کارآفرینی خود موفق شود. شما بر سرنوشت خود کنترل کامل خواهید داشت و هیچ گاه مجبور نیستید در مورد وضعیت امنیت مالی خود یا خانواده تان نگران باشید و همکاران و هم مرتبه های تان به شما احترام خواهند گذاشت. این فرصت را





دارید تا به عنوان یک فرد رویاگرا به رسمیت شناخته شوید. شما برای صدها هزار نفر شغل ایجاد کرده‌اید که به شما احترام می‌گذارند و از شما سپاسگزاری می‌کنند. بهره‌وری و بازده و ارزش در بازار به وجود آورده‌اید و سطح استاندارد زندگی بسیاری را بهبود بخشیده‌اید.
منبع: zeromillion.com

حواسمان به کار همه هست الا خودمون!!!!!!

مردی متوجه شد که گوش همسرش سنگین شده و شنوایی اش کم شده است. به نظرش رسید که همسرش باید سمعک بگذارد ولی نمی‌دانست این موضوع را چگونه با او در میان بگذارد به این دلیل، نزد دکتر خانوادگی‌شان رفت و مشکل را با او در میان گذاشت. دکتر گفت: برای اینکه بتوانی دقیق‌تر به من بگویی که میزان ناشنوایی همسرت چقدر است، آزمایش ساده‌ای وجود دارد. این کار را انجام بده و جوابش را به من بگو: ابتدا در فاصله ۴ متری او بایست و با صدای معمولی، مطلبی را به او بگو. اگر نشنید، همین کار را در فاصله ۳ متری تکرار کن. بعد در ۲ متری و به همین ترتیب تا بالاخره جواب بدهد. آن شب همسر آن مرد در آشپزخانه سرگرم تهیه شام بود و خود او در اتاق پذیرایی نشسته بود. مرد به خودش گفت: الان فاصله ما حدود ۴ متر است. بگذار امتحان کنم، و سوالش را مطرح کرد...
جوابی نشنید بعد بلند شد و یک متر به جلوتر به سمت آشپزخانه رفت و همان سوال را دوباره پرسید و باز هم جوابی نشنید. باز هم جلوتر رفت و به درب آشپزخانه رسید. سوالش را تکرار کرد و باز هم جوابی نشنید. این بار جلوتر رفت و درست از پشت همسرش گفت: "عزیزم شام چی داریم؟" و این بار همسرش گفت: "مگه کری؟! برای چهارمین بار میگم: خوراک مرغ!"
گاهی هم بد نیست که نگاهی به درون خودمان بیندازیم شاید عیب‌هایی که تصور می‌کنیم در دیگران است در واقع در خودمان وجود دارد.



انجمن علمی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات

کار گروه رباتیک: صادق شمس بگی
فراخوان

انجمن علمی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات به منظور تکمیل تیم انتشار مجله‌ی کانکت از افراد علاقه‌مند و مستعد بدین وسیله دعوت بعمل می‌آورد.



زمینه‌های نیازمند به همکاری :

- گرافیک (مسلط به فتوشاپ)
- تایپست (مسلط به ورد و اکسل)
- خبرنگار

برای کسب اطلاعات بیشتر مشخصات و ادرس ایمیل خود را به ادرس ذیل ارسال نمایید.

Anjomancomputer@shbu.ac.ir

یا به شماره ۰۹۳۰۲۰۵۴۵۳۹ پیامک کنید.

کارگروه مجله کانکت مینا آقامینی‌ها و یاسمین فرجادیان

معرفی علم رباتیک:

رباتیک شاخه‌ای از فناوری است که به طراحی، ساخت، تولید، کاربرد ربات‌ها و سیستم‌های کامپیوتری، برای کنترل ربات‌ها و پردازش اطلاعات می‌پردازد. ربات‌ها می‌توانند در فرآیندهای تولید و یا محیط‌های خطرناک جایگزین انسان شوند و یا تداعی کننده رفتار انسان باشند. تیم رباتیک دانشگاه شیخ بهایی با فعالیت بی وقفه خود در این زمینه، سعی بر درخشش نام دانشگاه در مسابقات معتبر رباتیک و همچنین ایجاد یک بستر مناسب برای افراد علاقه‌مند دارد.

معرفی مسابقات رباتیک

امروزه در جهت پیشبرد این فناوری در سطح جهانی و کشوری مسابقات رباتیک متعددی برگزار می‌شود که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مسابقات ربوکاپ جهانی اشاره کرد. مسابقات ربوکاپ یا جام جهانی ربوکاپ یک رویداد بین المللی برای توسعه علوم رباتیک، هوش مصنوعی و سایر زمینه‌های مرتبط می‌باشد که هر ساله به میزبانی یکی از کشورها جهان برگزار می‌شود.

مسابقات بین المللی رباتیک IranOpen به عنوان معتبرترین مسابقه رباتیک داخلی، هر ساله فروردین ماه با حضور صدها تیم داخلی و خارجی به میزبان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین برگزار می‌گردد. عمده‌ترین رشته‌های ربات‌های واقعی و شبیه‌سازی در بخش دانشجویی برگزار شده در این مسابقات عبارت اند از:

۱. ربات‌های انسان نما HumanOid
۲. ربات‌های فوتبالست سائز کوچک Small Size
۳. ربات‌های فوتبالست سائز متوسط Middle Size
۴. ربات‌های امدادگر واقعی Real Rescue
۵. ربات‌های خانگی @Home
۶. ربات‌های مین یاب Deminer
۷. ربات‌های نمایشی Demo





۸. ربات‌های پرنده UAV

۹. ربات‌های زیر دریایی ROV

۱۰. شبیه‌ساز فوتبال ۲ بعدی Soccer 2D Simulation

۱۱. شبیه‌ساز فوتبال ۳ بعدی Soccer 3D Simulation

۱۲. شبیه‌ساز امداد و نجات Rescue Agent Simulation

اهداف پروژه‌های رباتیک در دانشگاه:

الف- ایجاد فضایی علمی و کاری برای انجام فعالیت‌های رباتیک در دانشگاه

ب- استفاده از افراد علاقه‌مند در این زمینه و همچنین استفاده بهینه از پتانسیل دانشگاه

ج- شرکت در مسابقات رباتیک به اسم دانشگاه شیخ بهایی

د- تشکیل تیم فنی متخصص و استفاده از آنها جهت پیشبرد هر چه بهتر اهداف دانشگاه

ساختار پروژه های رباتیک

دسته بندی اجزای تشکیل دهنده ربات‌های از دیدگاه طراحی:

۱. مکانیک

۲. الکترونیک

۳. برنامه‌نویسی

برای فراگیری علم رباتیک افراد، نیازمند کسب علوم فوق می‌باشند. به وضوح علوم ذکر شده از علوم به روز دنیا می‌باشد که یادگیری آن‌ها سبب افزایش سطح علمی هر شخص خواهد شد.

بلوک مکانیک



تماس با ما:

افراد علاقه‌مند به فعالیت در زمینه رباتیک دانشگاه می‌توانند آمادگی خود را از طریق پل ارتباطی زیر با ما در میان بگذارند. ضمناً در صورت وجود هر گونه سوال در این زمینه می‌توانند از همین طریق با ما در ارتباط باشند.

Email: Isl.Shbu@yahoo.com



رشته آموزش زبان انگلیسی

تهیه کننده: میرآقا تیموری

<http://enjoylearningenglish.persianblog.ir>

درس اول : سوره حمد

in the name of Allah, the beneficent, the merciful (1

all praise is due to Allah, the lord of the worlds (2

the beneficent, the merciful (3)

master of the day of judgment (4

thee do we serve and thee do we beseech for help (5

keep us on the right path (6

The path of those upon whom thou hast bestowed favors. not
(the path) of those upon whom thy wrath is brought down, nor
of those who go astray (7

انیشیتن و معمای پنج خانه

این یک معما از آلبرت انیشیتن که در نوع خود نادر است! گفتنی است آلبرت انیشیتن این معما را در قرن نوزدهم میلادی نوشت. به گفته وی تنها ۲ درصد از مردم جهان می‌توانند این معما را حل کنند و ۹۸ درصد بقیه از عهده‌ی حل این مسئله بر نمی‌آیند. اگر شما خود را جزو همان ۲ درصد افراد باهوش دنیا میدانید، پس این گوی و این میدان! با پاسخ به این مسئله هوش خود را آزمایش کنید و ببینید در میان افراد باهوش دنیا قرار دارید یا خیر. توضیح اینکه هیچگونه کلک و حقه‌ای در معما وجود ندارد و تنها منطق محض می‌تواند شما را به جواب برساند.

مسئله:

- ۱- در خیابانی ۵ خانه در ۵ رنگ متفاوت وجود دارد.
- ۲- در هر یک از این خانه ها یک نفر با ملیتی متفاوت زندگی می‌کند.
- ۳- این ۵ صاحبخانه هر کدام نوشیدنی متفاوت می‌نوشند، سیگار متفاوت می‌کشند و حیوان خانگی متفاوت نگهداری می‌کنند.
جزئیات مسئله:
- ۱- مرد انگلیسی در خانه قرمز زندگی می‌کند.
- ۲- مرد سوئدی، یک سگ دارد.
- ۳- مرد دانمارکی چای می‌نوشد.
- ۴- خانه سبز رنگ در سمت چپ خانه‌ی سفید قرار دارد.
- ۵- صاحب خانه سبز قهوه می‌نوشد.
- ۶- شخصی که سیگار Pall Mall می‌کشد، پرنده پرورش می‌دهد.
- ۷- صاحب خانه زرد سیگار Dunhill می‌کشد.
- ۸- مردی که در خانه وسطی زندگی می‌کند، شیر می‌نوشد.
- ۹- مرد نروژی در اولین خانه زندگی می‌کند.
- ۱۰- مردی که سیگار Blends می‌کشد، در کنار مردی که گربه نگه می‌دارد زندگی می‌کند.
- ۱۱- مردی که اسب نگهداری می‌کند، کنار مردی که سیگار Dunhill میکشد زندگی می‌کند.
- ۱۲- مردی که سیگار Blue Master می‌کشد، آب میوه می‌نوشد.
- ۱۳- مرد آلمانی سیگار Prince می‌کشد.
- ۱۴- مرد نروژی کنار خانه آبی زندگی می‌کند.
- ۱۵- مردی که سیگار Blends می‌کشد، همسایه‌ای دارد که آب می‌نوشد.

سوال:

کدام یک در خانه خود ماهی نگهداری می‌کند؟



اعداد تاكسی

عدد	=	⁷² (مجموع ارقامش)
۸۱	=	۹ ^۱
۵۱۲	=	۸ ^۱
۳۹۱۳	=	۱۷ ^۱
۵۸۳۲	=	۱۸ ^۱
۱۷۵۷۶	=	۲۶ ^۱
۱۹۶۸۳	=	۲۷ ^۱
۲۴۰۱	=	۷ ^۱
۲۳۴۲۵۶	=	۲۲ ^۱
۳۹۰۶۲۵	=	۲۵ ^۱
۶۱۳۴۵۶	=	۲۸ ^۱
۱۶۷۹۶۱۶	=	۳۶ ^۱
۱۷۲۱۰۳۶۸	=	۲۸ ^۰
۵۲۵۲۱۸۷۵	=	۳۵ ^۰
۶۰۴۶۱۷۶	=	۳۶ ^۰
۲۰۵۹۶۲۹۷۶	=	۴۶ ^۰
۳۴۰۱۲۲۲۴	=	۱۸ ^۲
۸۳۰۳۷۶۵۶۲۵	=	۴۵ ^۲
۲۴۷۹۳۹۱۱۲۹۶	=	۵۳ ^۲
۶۸۷۱۹۴۷۶۷۳۶	=	۶۴ ^۲
۶۱۳۳۲۰۰۳۲	=	۱۸ ^۳
۱۰۴۶۰۳۵۳۲۰۳	=	۲۷ ^۳
۲۷۵۱۲۶۱۴۱۱۱	=	۳۱ ^۳
۵۲۵۲۳۳۵۰۱۴۴	=	۳۴ ^۳
۲۷۱۸۱۸۶۱۱۱۰۷	=	۴۳ ^۳
۱۱۷۴۷۱۱۱۳۹۸۳۷	=	۵۳ ^۳
۲۲۰۷۹۸۴۱۶۷۵۵۲	=	۵۸ ^۳
۶۷۳۲۹۸۸۱۸۴۳۲	=	۶۸ ^۳
۲۰۰۴۷۶۱۲۳۳۱۹۳۶	=	۴۶ ^۴
۷۳۳۰۱۹۶۱۳۳۹۱۳۶	=	۵۳ ^۴
۲۴۸۱۵۵۷۸۰۲۶۷۵۲۱	=	۶۳ ^۴

زمانی که ریاضیدان انگلیسی هاردی برای عیادت ریاضیدان شهیر هند امانوجان به بیمارستان رفته بود به این موضوع اشاره کرد که شماره تاکسی که به وسیله آن به بیمارستان آمده، عدد بی ربط و بی خاصیت ۱۷۲۹ بوده است. رمانوجان بلافاصله ضمن رد ادعای هاردی به او یادآور شد که اتفاقاً ۱۷۲۹ بسیار جالب توجه است.

دو عدد ۱۷ و ۲۹ هر کدام عدد اول هستند.
جمع چهار رقم تشکیل دهنده آن میشود ۱۹ که اول است.

جمع دو عدد اولیه و دو عدد آخری میشود ۸۱۱ که باز هم عدد اول است.
دو عدد ابتدایی (سمت چپ) اگر جمع شوند؛ عدد ۸۲۹ میشود که باز هم عدد اول است.
دو عدد اولیه اگر از هم دیگر کسر شوند؛ عدد ۶۷ ساخته میشود که باز هم عدد اول است.

سه عدد سازنده آن عدد اول است (۷ و ۱ و ۲)
عدد اول؛ عددی است که فقط بر یک و خودش تقسیم می شود بنحوی که نتیجه تقسیم عددی کسری نباشد (خارج تقسیم نداشته باشد)
جمع عددی اعداد تشکیل دهنده ۱۷۲۹ یا: $۱+۷+۲+۹=۱۹$ است؛
عکس ۱۹ عدد ۹۱ است؛ اگر ۱۹×۹۱ بشود نتیجه برابر ۱۷۲۹ می شود.
این هم یکی دیگر از اختصاصات ۱۷۲۹ است که در هر عددی دیده نمی شود.
عدد ۱۷۲۹ اولین عددی است که می توان آنرا به دو طریق به صورت حاصل جمع مکعبهای دو عدد مثبت نوشت:

12 به توان ۳ به علاوه ۱ به توان ۳ و ۱۰ به توان ۳ به علاوه ۹ به توان ۳ هر دو برابر 1729 می باشند.

ارتباط نام سایت گوگل با ریاضی

آیا میدانی google به چه معنی است؟ Google هم اسم مستعار یک عدد است که توسط «میلتون سیروتا» نامگذاری شده است. عدد مذکور «ده به توان صد» است (به بزرگی این عدد دقت کنید).
انتخاب گوگل جنبه شعاری دارد. به این مفهوم که گوگل قصد دارد تا سرویسها و خدمات و اهداف خود را به تمام جهان گسترش دهد.
به عدد «ده به توان ده به توان صد» گوگل پلکس (Googolplex) و به عدد «ده به توان ده به توان ده به توان صد» گوگل دوپلکس (Googolduplex) میگویند.
در این قسمت می خواهیم اعدادی را معرفی کنیم که این اعداد با توانی از مجموع ارقامشان برابرند. البته در این میان، اعداد یک رقمی با مجموع ارقامشان به توان ۱ برابرند و از آن ها چشم پوشی می کنیم. یافتن اعداد کوچک با این ویژگی کار ساده ای است اما یافتن اعداد بزرگتر بسیار مشکل و زمان بر خواهد بود. در جدول زیر تعدادی از این اعداد را به نمایش در آورده ایم. ببینید و لذت ببرید:



معرفی انجمن ادبی

اهمیت ادبیات و سایر علوم انسانی در زندگی امروز بر هیچ ملتی پوشیده نیست. با توجه به اینکه ادبیات، دارای حوزه‌های گوناگون و گستره‌ای بی‌نهایت از همه‌ی علوم، احساسات و عواطف انسانی و ... می‌باشد از سوی بسیاری از بزرگان (علم زندگی) نام گرفته است. هر ملتی در طول تاریخ خود فراز و نشیب‌های متعددی را تجربه کرده و در مواقع مختلف شاهد ظهور چهره‌های برجسته و شاخص ادبی بوده است. کشور ما ایران از دیرباز به دلیل ظهور چهره‌های فرهنگی و ادبی، عرفا، تاریخ نگاران و ... دارای پیشینه‌ای بسیار قوی در زمینه ادبیات می‌باشد. پیشینه‌ای که تمامی جهان در برابر آن سر تعظیم و احترام فرود آورده و همواره به عظمت آن احترام می‌گذارند. متأسفانه نقش ادبیات در زندگی امروز ما روز به روز در حال کم‌رنگ تر شدن است. بنا به دلایلی از قبیل مشغله کاری، درسی و ... فرصت پرداختن به این موضوع مهم برای هر شخصی بسیار اندک پیش می‌آید. اما چیزی که باید بسیار مهم شمرده شود ارزش گذاردن به پیشینه‌ی ادبی ایران زمین می‌باشد. ادبیات پارسی، این گوهر بی نظیر و نایاب، با کوشش‌های فراوان به دست ما رسیده و اکنون وقت پاسداری ما از این گوهر بزرگ و ارزشمند است. هر شخص باید در حد توان خود به مطالعه و ارتقاء سطح دانش ادبی خود بپردازد تا بتواند آموخته‌های خود را علاوه بر استفاده شخصی، روزی به نسل آینده منتقل کند. یکی از بهترین راه‌ها برای اجرای چنین تصمیمی در جامعه شروع از سیستم آموزشی است. اگر بتوانیم ارزش‌های والای ادبیات پارسی را برای دانش‌آموزان و دانشجویان روشن سازیم، این ارزش‌ها به صورت‌های مختلف به نسل‌های بعد نیز منتقل خواهد شد. این گونه می‌توانیم تشکر کوچکی از بزرگان و گذشتگان ادبیات این سرزمین به پاس خدمات و زحمات ارزنده‌شان بنماییم. ضمن اینکه مطالعه ادبیات و رشد و ترویج فرهنگ مطالعه می‌تواند عامل بسیار خوبی برای کمی دور ماندن از دگریری‌های فکری روزانه و کسب آرامش باشد. با توجه به موارد ذکر شده و موارد دیگر، تصمیم به برپایی انجمن ادبی برای دانشگاه شیخ بهایی گرفتیم. با همکاری مدیریت و معاونت محترم و رئیس امور فرهنگی دانشگاه و جمع‌آوری عزیزان علاقه‌مند توانستیم چند جلسه مفید بر پا نماییم. این انجمن کاملاً دانشجوی محور و خود جوش است و ورود به آن برای عموم دانشجویان عزیز آزاد می‌باشد. با توجه به اینکه ادبیات شاخه‌های مختلفی دارد قصد داریم در جلسات این انجمن به بحث‌های گوناگون در تمامی حوزه‌های ادبی بپردازیم. در زیر، چند نمونه از فعالیت‌های معمول که در انجمن انجام می‌گیرد آمده است:

- بحث و گفتگو در مورد شعر، داستان، نمایشنامه و ... دوستان حاضر در جلسه، شعرا و نویسندگان مختلف

- معرفی کتاب و سایت‌های مفید ادبی

- آموزش و تمرین نگارش

- بحث‌های آموزشی در مورد سایر مباحث ادبی

- مشاعره‌های گرم و دوستانه

- انتخاب دانشجویان مستعد برای مسابقات بین دانشگاهی

- بحث در مورد ادبیات برون مرزی

- و ...

کار و فعالیت در انجمن ادبی کاملاً آزاد و دلخواه می‌باشد و عزیزان علاقه‌مند می‌توانند به صورت شنونده آزاد در جلسات حضور یابند. یکی از ویژگی‌های مثبت این انجمن فعالیت و مشارکت همه جانبه‌ی اعضا می‌باشد؛ که این بدین معنی است که همه‌ی اعضا با همکاری با یکدیگر موجب پویایی و رونق هرچه بیشتر انجمن شده و فشار از دوش یک یا چند نفر برداشته می‌شود. ویژگی قابل توجه این انجمن قرار داشتن تقریبی اعضا در یک رده سنی می‌باشد. همه‌ی اعضا جوان و اهل علم هستند و با توجه به نزدیکی سن و اندیشه‌ها می‌توانند در بحث و گفتگو با هم از دانش و آگاهی یکدیگر استفاده کنند. ضمن اینکه در جلسات انجمن علاوه بر آموزش‌ها و فعالیتهای دانشجویی می‌توانیم چند وقت یکبار با دعوت از اساتید مختلف از وجود این عزیزان نیز بهره‌مند گردیم. در پایان امیدواریم بتوانیم با همکاری و شرکت دوستان عزیز علاقه‌مند و مستعد، که حضورشان موجب گرمی و انگیزه‌ی بیشتر انجمن خواهد بود روز به روز در جهت پیشرفت انجمن گام برداریم و از میراث جاودانمان ادبیات پارسی محافظت نماییم.

جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به دفتر امور فرهنگی دانشگاه واقع در ساختمان شماره ۲ مجموعه ۱ دانشگاه مراجعه فرمایید.

موفقیت همه شما عزیزان را از ایزد منان خواستارم.

پویا علی‌یارزاده

دبیر انجمن ادبی دانشگاه شیخ بهایی

مقایسه مفهوم معشوق در اشعار حافظ و شکسپیر

بیش از ۹۰ سال پیش، با ایجاد کرسی ادبیات تطبیقی در دانشکده ی ادبیات شهر «لیون»، این دانش در کشور فرانسه جایگاه رسمی یافت. اما بدیهی است که برای ایجاد و کاربرد این مفهوم، کسی در انتظار این واقعه نبود. اصطلاح «ادبیات تطبیقی» از قرن هجدهم در متون ادبی مغرب زمین به کار رفت و بسیاری از استادان قرن نوزده، این نام را به تعلیمات خود اطلاق می کردند.

ادبیات تطبیقی به بررسی تلاقی ادبیات در زبان های مختلف و روابط پیچیده ی آن در گذشته و حال و روابط تاریخی آن از حیث تأثیر و تأثر در حوزه های هنر، مکاتب ادبی، جریان های فکری، موضوع ها و افراد می پردازد. اهمیت ادبیات تطبیقی، تنها به بررسی گونه های ادبی، جریان های فکری و مسایل انسانی در هنر محدود نمی شود؛ بلکه از تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان از ادبیات جهانی نیز پرده بر می دارد. در این مقاله کوشش شده ضمن بررسی یکی از مفاهیم مهم و مؤثر، یعنی «معشوق»، در اشعار دو شاعر بزرگ و بلند آوازه و کشف نقاط اشتراک و افتراق در زمینه ی توصیف معشوق در آن ها، به اندیشه هایی نو درباره ی ادبیات فارسی و تقابل آن با ادبیات سایر کشورها نیز دست یابیم.

الف- معشوق حافظ:

معشوق حافظ از دو منظر ویژگی های ظاهری و رفتاری، قابل بررسی است:

۱) ویژگی های ظاهری:

«فریاد که از شش چهتَم راه ببستند / آن خال و خط و زلف و رخ و عارض و قامت»
در این مجال کوتاه به بررسی و ذکر چند نمونه از پر بسامدترین ویژگی های ظاهری که حافظ آن ها را به معشوق خود نسبت داده است، بسنده می کنیم:

روی زیبا:

- عارضش را به مثل ماه فلک نتوان گفت / نسبت دوست به هر بی سروپا نتوان کرد
- روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد / زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما
- رخ تو در دلم آمد مراد خواهم یافت / چرا که حالِ نکو در قفای فال نکوست
- حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد / این همه نقش در آینه ی اوهام افتاد
- حافظ از شوق رخ مهر فروغ تو بسوخت / کام کارا نظری کن سوی ناکامی چند

زلف:

- روز اول که سر زلف تو دیدم گفتم / که پریشانی این سلسله را آخر نیست
- کی دهد دست این غرض یا رب که هم دستان شوند / خاطر مجموع ما زلف پریشان شما
- کس نیست که افتاده ی آن زلف دو تا نیست / در رهگذر کیست که دامی ز بلا نیست
- ظل ممدود خم زلف توام بر سر باد / کاندین سایه قرار دل شیدا باشد
- زلفش کشید باد صبا چرخ سفلہ بین / کان جا مجال باد وزانم نمی دهد

چشم:

- ز چشم شوخ تو جان کی توان برد / که دایم با کمان اندر کمین است
- علم و فضلی که به چل سال دلم جمع آورد / ترسم آن نرگس مستانه به یغما ببرد
- من از رنگ صلاح آن دم به خون دل بشستم دست / که چشم باده پیمایش صلابر هوشیاران زد
- آن چشم جاودانه ی عابد فریب بین / کش کاروان سحر ز دنیا له می رود
- مگر چشم سیاه تو بیاموزد کار / ورنه مستوری و مستی همه کس نتوانند

لب و دهان:

- جان فدای دهنت باد که در باغ نظر / چمن آرای جهان خوش تر از این غنچه نیست
- از لب شیر روان بود که من می گفتم / این شکر گرد نمکدان تو بی چیزی نیست
- با یار شکر لب گل اندام / بی بوس و کنار خوش نباشد
- در حق من لب این لطف که می فرماید / سخت خوب است و لیکن قدری بهتر از این
- بدان هوس که به مستی ببوسم آن لب لعل / چه خون که در دلم افتاد همچو جام و نشد

**قد:**

- در مذهب ما باده حلال است و لیکن / بی روی تو ای سرو گل اندام حرام است
- تا بو که یابم آگهی از سایه ی سرو سهی / گل بانگ عشق از هر طرف برخوش خرامی می زخم
- بعد از این دست من و دامن آن سرو بلند / که به بالای چمان از بن و بیخم بر کند
- می شکستم ز طرب زان که چو گل بر لب جوی / بر سرم سایه آن سرو سهی بالا بود
- ننگرد دیگر به سرو اندر چمن / هر که دید آن سرو سیم اندام را

ابرو:

- به جز ابروی تو محراب دل حافظ نیست / طاعت غیر تو در مذهب ما نتوان کرد
- در کعبه ی کوی تو هر آن کس که بیاید / از قبله ی ابروی تو در عین نماز است
- گوشه ی ابروی توست منزل جانم / خوش تر از این گوشه پادشاه ندارد
- بر ما بسی کمان ملامت کشیده اند / تا کار خود ز ابروی جانان گشاده ایم
- گر غالیه خوش بو شد در گیسوی او پیچید / و رسمه کمان کش گشت در ابروی او پیوست

مژه:

- مژه ی سیاهت ار کرد به خون ما اشارت / ز فریب او بیندیش و غلط مکن نگارا
- به مژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم / ایبا کز چشم بیمارت هزاران درد بر چینم
- یا رب این بچه ی ترکان چه دلبرند به خون / که به تیرمژه هر لحظه شکاری گیرند
- مژگان تو تا تیغ جهانی گیر بر آورد / بس کشته ی دل زنده که بر یک دگر افتاد
- شرم از آن چشم سیه بادش و مژگان دراز / هر که دل بردن او دید و در انکار من است

(۲) ویژگی های رفتاری:**عاشق کشی**

بر آن چشم سیه صد آفرین باد / که در عاشق کشی سحرآفرین است

دور بودن از عاشق

شریتی از لب لعلش نچشیدیم و برفت / روی مه پیکر او سیر ندیدیم و برفت

بی وفایی و پیمان شکنی

دی می شد و گفتم صنما عهد به جای آر / گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست

ناز و غمزه

زلف بر باد مده تا ندهی بر بادم / ناز بنیاد مکن تا نکنی بنیادم

مستی

در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست / مست از می و می خواران از نرگس مستش مست

داشتن عشاق فراوان

کی کند سوی دل خسته ی حافظ نظری / چشم مستش که به هر گوشه خرابی دارد

بی توجهی به عاشق

پیش کمان ابرویش لابه همی کنم ولی / گوش کشیده است از آن گوش به من نمی کند

ستمگری

نگرفت در تو گریه ی حافظ به هیچ رو / حیران آن دلم که کم از سنگ خاره نیست

حسن جاودان

غبار خط بیوشانید خورشید رخسار / بقای جاودانش ده که حسن جاودان دارد

آن چه گذشت، توصیف بسیار کوتاهی از معشوق خواجه ی شیراز بود. به تصویر کشیدن سیمای معشوق و بیرون کشیدن این تصویر از میان سطور درهم تنیده ی غزلیات شورانگیز حافظ، کاری بس دشوار است؛ زیرا معشوق، در جا جای این دیوان رخ می نماید و از آن جایی که هیچ کس زیباتر و شیرین تر از عاشق، سیمای معشوق را نقاشی نمی کند و از او سخن نمی گوید، تجزیه و تحلیل این تصویر و سیما از خلال ابیات غزل‌هایی چنین در



هم تنیده و پیوسته دشورا بود. به هرحال، ابیات شورانگیز دیوان، بهترین تفسیرگر عشق و عاشقی بودند که در بخش نخست این مقاله تنها به چند نمونه از آن‌ها اشاره شد.

ب- معشوق شکسپیر:

برای مقایسه‌ی دقیق‌تر، همان تقسیم‌بندی‌های به کار رفته در بخش «معشوق حافظ» را به کار می‌بریم:

(۱) ویژگی‌های ظاهری:

چشم:

From thine eyes my knowledge I derive, and, constant stars, in them I read such art, (sonnet 14)

دانایی ام در چشم هایت ریشه دارد صدها ستاره راه بر من می‌نماید

لب:

Love"s not time"s fool, although rosy lips and cheeks whitin his bending sickle"s compass come; (sonnet 116)

اگر چه عشق، بازپچه‌ی دست زمان نیست و ماندگار است، لب‌های سرخ معشوق، قربانی داس بی‌رحم دقایق خواهد بود.

گونه:

Thus in his cheek the map of days outworn,

شاعر نقش روزهای گذشته را در گونه‌های معشوق می‌بیند.

صدای خوش:

Music to hear, why hear" st thou music sadly? (sonnet 8)

صدای خوش معشوق، هم چون موسیقی ای گوش نواز، روح و جان عاشق را آرامش می‌بخشد و شگفتی شاعر، از این است که چرا یار شادی آفرین، خود، غمگین است.

(۲) ویژگی‌های رفتاری:

دوری از عاشق:

How far I toil, still farther off from thee. (sonnet 28)

شاعر بی‌نصیب از آرامش روزانه و شبانه، از رنجی یاد می‌کند که دوری از یار، در دل او به یادگار گذاشته است.

بی‌توجهی به عاشق:

... When thou shalt strangely pass, (sonnet 49)

معشوق هم چون غریبه‌ای از کنار عاشق می‌گذرد.

داشتن عشاق فراوان:

The region cloud hath masked him from me now. (sonnet 33)

شاعر رقبای خود را ابرهای سیاهی می‌داند که خورشید روی معشوق را می‌پوشانند.

قدرت:

That god forbid that made me first your slave, (sonnet 58)

عاشق خود را بنده‌ی معشوق می‌داند.

ویژگی‌های یاد شده به همراه ویژگی‌های دیگری هم چون «دادن وعده‌های دروغی»، «عاشق‌کشی»، «حسن کامل»، «بی‌وفایی» و... درون مایه‌های اصلی سانت‌های شکسپیر در توصیف معشوق است. اکنون تفاوت‌ها و شباهت‌های توصیف‌های دو شاعر بزرگ شرقی و غربی از معشوق را بررسی می‌کنیم:

شباهت‌ها:

(۱) به کارگیری تشبیه باشکوه:

معمولاً رسم بر آن است که زیبایی‌های انسان را به زیبایی‌های موجود در طبیعت مانند می‌کنند؛ مثل تشبیه روی زیبا به خورشید؛ اما در مواردی در غزل‌های هر دو شاعر، خلاف این رسم را می‌بینیم.

حافظ: بنفشه طره‌ی مقتول خود گره می‌زد صبا حکایت زلف تو در میان انداخت

The forward violet thus did I chide. (99)

شکسپیر: بنفشه بوی خوشش از نفس کشیدن توست.



۲) نگاه یار، کیمیاست:

حافظ: آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند آیا بود که گوشه‌ی چشمی به ما کنند

Against that time when thou shalt strangely pass, And scarcely greet me with that sun thine eye ,
(غزل ۴۹)

شکسپیر: خورشید چشم هایت، در روزگار قحطی، قلب شکسته‌ام را تنها نمی‌گذارد

۳) معشوق، راه بر است:

حافظ: «در این شب سیاهم، گم گشت راه مقصود از گوشه‌ی برون‌ای ای کوکب هدایت

(3) From thine eyes my knowledge I derive, and constant stars, in them I read such art (غزل ۱۴)

شکسپیر: دانایی‌ام در چشم هایت ریشه دارد صدها ستاره راه بر من می‌نماید

۴) حسن او ذاتی است:

حافظ: تو را که حسن خدا داده هست و حجله‌ی بخت چه حاجت است که مشاطه‌ات بیاراید

I never saw that you did painting need. (غزل ۸۳)

شکسپیر: هیچ گاه باور ندارم که تو به آب و رنگ نیاز داشته باشی

۵) معشوق، ارباب و سلطان است:

حافظ: چون من گدای بی‌نشان مشکل بود یاری چنان سلطان کجا عیش نهان با رند بازاری کند

Being your salve, what should I do but tend Upon the hours and times of your desire? (غزل ۵۷)

شکسپیر: من بنده‌ی توام

هیچم ز دست نمی‌آید

جز آرزوی آرزوی تو!

۶) معشوق، عاشق کش است:

حافظ: بر آن چشم سیه صد آفرین باد که در عاشق کشی سحر آفرین است

But since I am near slain Kill me outright with looks and rid my pain (غزل ۱۳۹)

شکسپیر: من نیمه‌جان را بکش با نگاهت رهایم کن از رنج بودن

۷) در روزگار هجران، معشوق، پیام‌آورانی دارد:

حافظ: صبا وقت سحر بویی ز زلف یار می‌آورد دل شوریده‌ی ما را به بو در کار می‌آورد

By those swift messengers return'd from thee, Who even but now come back again, assured of the
health fair (غزل ۴۵)

شکسپیر: آن پیام‌آورانی که از جانب تو می‌آیند و سفیر سلامتی توانند...

۸) خیال معشوق با عاشق است:

حافظ: رفیق خیل خیالیم و هم نشین شکیب قرین آتش هجران و هم قران فراق

Is it thy spirit that thou send'st from thee So far from home... (غزل ۶۱)

شکسپیر: خیال سبز تو مهربان هر شیم شده است اگرچه دورتر از این خیال نزدیکی

۹) معشوق به عاشق بی‌توجه است:

حافظ: مکن به چشم حقارت نگاه در من مست که آب روی شریعت بدین قدر نرود

When thou shalt be disposed to set me light, And place my merit ni the eye of scorn (غزل ۸۸)

شکسپیر: آن روز که به حقارت در من می‌نگری و ارزش‌های مرا به هیچ می‌انگاری...

۱۰) معشوق، بی‌وفاست:

حافظ: نشان عهد و وفا نیست در تبسم گل بنال بلبل بی‌دل که جای فریاد است

The looks with me, thy heart in other place. (غزل ۹۳)

شکسپیر: چشم‌هایت با من دل تو با دیگری است





تفاوت‌ها:

تفاوت‌های میان این دو شاعر در توصیف معشوق، ریشه در تفاوت فرهنگ، اقلیم و پندارها و انگاره‌های سرزمینی دارد که هر یک از این دو در آن متولد شده و بالیده‌اند.

برای مثال، آن گاه که شکسپیر در غزل شماره ی ۱۸، معشوق خود را به یک روز تابستانی گرم، تشبیه می‌کند؛ در حالی که معشوق ایرانی، یادآور بهار است، به خوبی این تفاوت اقلیمی را درک می‌کنیم. در جدول زیر، چند نمونه از این تفاوت‌ها به روشنی آمده است:

معشوق

شکسپیر	حافظ
.....	سخن از کمان ابرو، سرو قد، تیر مژگان، خال هندو، چاه زنج او
چشم‌هایش سرچشمه ی دانایی But from thin eyes my knowledge I derive * (14)	چشم‌هایش یغماگر علم و فضل * علم و فضلی که به چل سال دلم جمع آورد ترسم آن نرگس مستانه به یغما ببرد
هجرات او، زمستان سرد	هجرات او مایه ی قوام عشق
ناماندگار ب همین دلیل، پیوسته معشوق را به داشتن فرزند توصیه می‌کند 7* So thou, the self outgoing in the noon, Unlook"d on diest, unless thou get a son	ازلی و ابدی * ماجرای من و معشوق مرا پایان نیست آن چه آغاز ندارد نپذیرد انجام
شاعر او را نمی‌پرستد	همان معبود است * آن یار کز او خانه ی ما جای پری بود سر تا قدمش چون پری از عیب پری بود
به هنگام توصیف، واژه‌ها اغلب در معانی خود به کار می‌روند.	در توصیف‌ها واژه‌ها به کارواژه * بدل می‌شوند.

نفیسه اسماعیل زاده شاهرودی/منبع: وبسایت تبیان

اخبار دانشگاه

(مربوطه به شهریور ۹۲)



• برگزاری اردوی زیارتی مشهد مقدس

دانشگاه شیخ بهائی به منظور تشویق دانشجویان در زمینه‌های مختلف علمی و ورزشی و قرار دادن ایشان در فضای معنوی در شهریور ماه سال جاری اقدام به برگزاری اردوی زیارتی مشهد مقدس نمود. این اردو که یک هفته به طول انجامید با شرکت بیش از ۳۰ نفر از دانشجویان ممتاز علمی و مقام‌آوران ورزشی دانشگاه برگزار شد و باعث نشاط و شادابی شرکت‌کنندگان در اردو گردید.

• کانون بسیج اساتید دانشگاه شیخ بهائی افتتاح شد.

با توجه به تعداد چشمگیر اساتید بسیجی دانشگاه شیخ بهائی، سازمان بسیج اساتید استان اصفهان با تشکیل کانون بسیج اساتید دانشگاه شیخ بهائی به طور مستقل از سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات غیر انتفاعی استان موافقت کرد. جلسه افتتاحیه این کانون روز سه‌شنبه ۹۲/۶/۲۶ و با دعوت از مسئولین سازمان بسیج اساتید برگزار شد.



• کارگاه آموزشی اخلاق حرفه‌ای تدریس، ویژه‌ی اساتید دانشگاه شیخ بهائی برگزار شد.

با توجه به نقش بسیار تأثیرگذار و بسزای اساتید در ارتقای سطح فرهنگی و اخلاقی دانشجویان، دانشگاه شیخ بهائی با همکاری نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها، اقدام به برگزاری یک کارگاه آموزشی یک روزه با عنوان اخلاق حرفه‌ای تدریس نمود. این کارگاه که با حضور استاد فرحزادی (از قم) برگزار شد با استقبال قابل توجه اساتید این دانشگاه مواجه بود.

• کمیته‌ی استقبال از دانشجویان جدیدالورود در دانشگاه شیخ بهائی تشکیل شد.

کمیته استقبال از دانشجویان جدیدالورود، متشکل از مسئولین فرهنگی و آموزشی دانشگاه بود با هدف استقبال هرچه بهتر از دانشجویان ورودی جدید و جلوگیری از هرگونه مشکل برای ایشان و همراهان احتمالی آنها تشکیل شد. از اقدامات این کمیته می‌توان به هماهنگی با مسئولین شهری جهت نصب بنر خوش‌آمدگویی به دانشجویان، در سطح شهر؛ همچنین نصب پوسترها و بنرهای خاص در محل دانشگاه و نیز ارائه‌ی بسته‌های فرهنگی به دانشجویان نام برد، علاوه بر این، کمیته مذکور کلیه‌ی اقدامات لازم جهت رفاه دانشجویان و همراهان آنها را در روز ثبت‌نام انجام داده است.

• ثبت نام پذیرفته شدگان سال ۹۲

ثبت نام پذیرفته شدگان سال ۹۲ در مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) در ۹ رشته تحصیلی در دانشگاه شیخ بهائی انجام گرفت. این دانشگاه در کلیه‌ی رشته‌های تحصیلات تکمیلی خود موفق به تکمیل ظرفیت شده است و در مجموع حدود ۱۲۰ دانشجوی جدید در مقاطع تحصیلات تکمیلی برای سال تحصیلی جدید ثبت‌نام کرده‌اند. تا قبل از این دانشگاه شیخ بهائی دارای ۲۳۱ دانشجو در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری بود.

Jame' of Sheikh Bahaei

Internal Magazine of Sheikh Bahaei Uni, September 2013

